



طلايه داران تقرب

۸

شيخ محمد غزالي

رايت اصلاح

چاپ سوم

علي احمدی

سرشناسه : احمدی، علی ، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور : شیخ محمد طرزی، رأیت اصلاح یعنی احمدی
 وضعیت ویراست : ویراست ۱.
 مشخصات نشر : تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.
 فروخت : طایفه داران تقریب [ج. ۸]
 شابک : 978-964-167-142-0 978-964-167-142-0
 وضعیت فهرست نویسی : فهرست
 یادداشت : چاپ سوم
 موضوع : طرزی، محمد / ۱۹۹۵، ۱۹۹۷ م - - سرگذشتنامه
 موضوع : اصلاح طلبان - - کشورهای اسلامی
 موضوع : اسلام - - تجدید - حیات فکری
 موضوع : تقریب مذاهب
 شماره لزومه : مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
 شماره لزومه : طایفه داران تقریب [ج. ۸]
 ردیفی کنگره : ۱۳۸۹ ج ۸، ط ۳۳۲/۷۷۸ BP
 ردیفی بیروت : ۲۹۷/۱۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۶۷۷۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام کتاب: شیخ محمد طرزی: رأیت اصلاح
 (طایفه داران تقریب ۸)
 نویسنده: علی احمدی
 ویراستار: سید حسین توایی
 ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
 نوبت چاپ: سوم، ۱۳۸۹ هـ ش
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۷-۱۴۲-۸
 آدرس: تهران - ص. پ. : ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵
 تلفکس: ۸۸۸۲۲۵۳۳

حق چاپ و نشر محفوظ است

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول: از ولادت تا بزرگسالی
۲۷	فصل دوم: در سنگر تبلیغ و مطبوعات
۳۵	فصل سوم: غزالی و اخوان المسلمین
۴۳	فصل چهارم: موضوعگیری‌های غزالی
۴۵	محاكمة عوامل ترور فرج فوده
۴۶	مقابله با غربزدگی
۴۷	مساوات زن و مرد
۴۸	قانون احوال شخصیه
۴۹	انقلاب اسلامی ایران
۵۱	حزب بعث و صدام حسین
۵۲	انفجار در حرم رضوی
۵۵	فصل پنجم: سفرهای غزالی
۷۵	در فلسطین
۵۹	صهیونیسم از منظر غزالی
۶۲	وضعیت الجزایر
۶۴	سفر غزالی به الجزایر
۶۵	در ایران
۶۹	فصل ششم: وحدت از منظر غزالی
۷۳	عوامل تفرقه
۷۴	۱. عدم آگاهی

۷۵	۲. نویسندگان مغرض
۷۵	۳. یادآوری اختلافات گذشته
۷۶	عوامل وحدت
۷۶	۱. عالمان دینی
۷۷	۲. مسؤولین
۷۷	وظیفه مسلمانان در قبال وحدت
۷۹	اصول وحدت
۸۱	فصل هفتم: اندیشه‌های غزالی
۸۳	اندیشه‌های سیاسی
۸۴	تهاجم فرهنگی
۸۶	اهداف استعمارگران
۸۸	استعمار در دانشگاه و مؤسسات فرهنگی
۹۰	اندیشه‌های عقیدتی
۹۱	تعامل دین و سیاست
۹۲	انتقاد از عالمان وابسته
۹۳	وهابیت
۹۳	غزالی و فلسفه
۹۴	غزالی و آزاد اندیشی
۹۷	فصل هشتم: آثار
۱۱۵	وفات
۱۱۷	منابع

سخن ناشر

طلایه‌داران جنبش‌های فکری را باید افرادی دانست که قابلیت‌های اندیشه‌ای آنها از ظرفیت‌های بازدارنده پیرامونشان قوی‌تر و منسجم‌تر است. این افراد گاه محیط تاریخی و اجتماعی یا بینشی و اعتقادی پیرامون خود را به چالش می‌طلبند و با طرح انگاره‌هایی متفاوت چشم‌اندازهایی جدید را در افق خرد جمعی جامعه ترسیم می‌نمایند.

اهمیت این افراد به لحاظ روش‌شناسی، بیش از هر چیز از چالشی دو سویه برمی‌خیزد که از یک سوی مانند هر اندیشمند دیگر، محصول نگرشهای محیط پیرامون خود و طبیعتاً نماینده‌ای از این نگرشها هستند، و از سوی دیگر برخلاف اندیشمندان جامد اندیش، مسؤولیتهای اندیشه‌ای خود را فراتر از وضعیت جامعه در شکل دادن به حجم‌های جدید و ترسیم اضلاعی نو می‌بینند. کسانی که از تکاپوی میان این دو عامل، اندیشه‌های معتدل را می‌آفرینند، طلایه‌دارانی هستند که هرچند تعداد آنها در طول تاریخ همیشه کم بوده است، ولی از تأثیراتی بسیار کیفی، مؤثر و تکان‌دهنده برخوردار بوده‌اند. هنگامی طلایه‌داری جنبش‌های فکری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که

این پیش‌تازی در عرصه‌های اجتماعی صورت گیرد. تقریب در صدر جنبش‌هایی از این دست قرار دارد. این عرصه طلّیعه‌دارانی بزرگ را همچون سید جمال اسدآبادی، آیه‌الله بروجردی، شیخ شلتوت و غیره به خود دیده است. برداشت از تقریب تحت تأثیر این افراد به تدریج از یک وضعیت مورد اتهام به سمت یک وضعیت ایده‌آل و خداخواهانه به پیش رفته است. طبیعتاً نقش امام خمینی در این زمینه بسیار مهم و اساسی بوده است؛ چون تنها پس از شکل‌دهی به انقلاب اسلامی بود که تقریب فراتر از تأثیرات محدود، عرصه‌های فراخ سیاسی و اجتماعی را نیز دستخوش تغییراتی قرار داد.

مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب که اصلی‌ترین وظیفه خود را گسترش ادبیات تحقیقی تقریب و شکل دادن به پژوهش‌های کاربردی و علمی پیرامون این مقوله می‌داند، معرفی طلّایه‌داران تقریب و شناساندن اندیشه‌های پیش‌تاز و تجربه‌های به جای مانده از آنان را یکی از نخستین گامها و پیش‌نیازها به شمار می‌آورد.

معرفی طلّیعه‌داران تقریب از آن جهت ضروری است که اندیشه تقریبی در تار و پود خود یک جنبش اصلاحی و تحول‌طلب است. جنبش‌هایی از این دست اگر بخواهند راه خود را سرزنده و بویا ادامه دهند باید بیش از هر چیز به بازخوانی پرونده‌های گذشته خود دست زنند. در این صورت نه تنها رونق و نشاط ادبیات و فراورده‌های گذشته خود را از

دست نخواهند داد؛ که کارکردهایشان نیز ناتمام نمی‌ماند و در جنبه‌ی ایستایی فرو نمی‌رود. تقریب نیز این امکان را دارد که با بهره‌گیری از مایه‌های علمی به جای مانده از گذشته و تلاش برای ایجاد افقها و عرصه‌های جدید علمی و پژوهشی، از یک سوی ادبیات گذشته خویش را بارور سازد، و از سوی دیگر زمینه‌های کاربردی تحقق اهداف خود را عینی‌تر و عملیاتی‌تر نماید. اگر تقریب بی‌اعتنا به میراث درخشان گذشته و فارغ از دلبستگی به تلاشهای بزرگان خویش در سالهای قبل، بر آن باشد که همه‌گردهای مناسبات تقریب‌ستیزانه را به دست امروزیان بگشاید، نتیجه‌کار چیزی بیشتر از ارائه‌ی توصیه‌هایی پراکنده و بعضاً کم‌عمق نخواهد بود.

کتاب پیش‌روی، همت خود را بر معرفی و شناسایی شیخ محمد غزالی که یکی از چند شخصیت اصلی عرصه‌ی تقریب می‌باشد، نهاده است.

این نوشتار به قلم پژوهشگر ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین علی احمدی و با راهنمایی‌های عالمانه و روشنگرانه‌ی حجة الاسلام والمسلمین آقای محمود مهدی‌پور در مرکز تقریب تحقیقات قم تهیه شده است. این مرکز ضمن سپاسگزاری از نویسنده‌ی گرامی و نیز راهنمای محترم، مراتب تشکر خود را از حجة الاسلام والمسلمین آقای سید حسن ربانی عضو محترم هیئت علمی مرکز تحقیقات که به عنوان مشرف پروژه، تلاشهای ارزشمندی را در جهت تنقیح و در

عین حال شکوفایی هر چه بیشتر این تحقیق به انجام رساندند، ابراز می‌دارد.

امید آنکه با عطف نظر بیشتر پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی به تقریب، زمینه شکل‌گیری تدوین طرحهایی از این دست به صورت گسترده‌تری ایجاد گردد.

مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب

الامة الاسلامية أمة واحدة، لأن الاخوة التي جمع الاسلام
عليها القلوب أصل من أصول الايمان لا يتم الآ بها.
امت اسلامی، امتی واحد است؛ زیرا اخوتی که اسلام
براساس آن، دلها را به هم پیوند داده، اصلی از اصول ایمان است
و ایمان بدون آن کامل نیست.

شیخ محمد غزالی

مقدمه

بی شک وحدت و یکپارچگی از مهمترین موضوعات
مورد نیاز جوامع اسلامی در عصر حساس کنونی است؛ در
عصری که تمام قوای کفر، دست در دست هم به رویارویی با
اسلام برخاسته‌اند. اروپا به این نتیجه رسید که با اختلاف و
کشمکش سیاسی، راه به جایی نخواهد برد لذا با تشکیل
اتحادیه اروپا، انتشار پول واحد اروپایی و غیره در صدد
تشکیل اروپای واحد است؛ اما با کمال تأسف سران
کشورهای اسلامی روز به روز بر اختلافات خود می‌افزایند.
بدون شک دستهای استکبار جهانی در پس پرده است و
اجازه نمی‌دهد امت مسلمان به سوی اتحاد و یکدلی گام
بردارد؛ زیرا در آن صورت می‌داند که جایی برای چپاول و
استعمار این کشورها وجود ندارد.

همه مسلمانان باید به این نکته توجه داشته باشند که

تنها راه غلبه بر جبهه استکبار و استعمار، علی رغم همه تنوع‌های اقلیمی، نژادی و مذهبی، وحدت آنان و مبارزه با تفکر لائیک و جدایی دین از سیاست است و اینکه غریزندگان و مرعوبان از جایگاه تصمیم‌گیری برای امت اسلامی کنار گذارده شوند.

در رسیدن به وحدت، عوامل گوناگونی مؤثر است که مهمترین آن، نقش عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی است. اندیشمندان مسلمان می‌توانند با سخنرانی، انتشار کتاب و مقاله، و سفر به کشورهای یکدیگر، مردم مسلمان جهان را نسبت به توطئه‌های دشمن برای تفرقه‌آمت، آگاه کنند و آنان را به اتحاد و برادری سوق دهند.

شیخ محمد غزالی یکی از علمایی است که نقش بسیار مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و بیداری اسلامی ایفا کرد. دکتر سید جعفر شهیدی درباره شخصیت بزرگ غزالی می‌گوید:

سالها آرزوی دیدن استاد غزالی را داشتم و قسمت چنین بود که در الجزایر به مقصود برسم. در این کشور هر سال - پس از استقلال - مجلسی به نام «ملتقی الفکری الاسلامی» برگزار بود... در سال ۱۳۴۹ ه.ش. برای شرکت در این مجلس، به الجزایر رفتم و استاد غزالی را دیدم؛ پس از آشنایی با او به یاد این بیت افتادم که:

و استکبر الاخبار قبل لقائه

فلما التقينا صغر الخیر الخیر

از آوردن این بیت مقصودم این است که استاد غزالی بیش از آن که من درباره او می‌اندیشیدم، ایمانش به اسلام، قرآن و سنت رسول الله ﷺ چنان سراسر دلش را در تصرف گرفته بود که تاب تحمل اندک شبهتی را پیرامون قداست آن نداشت. خضوع و فروتنی او نیز که خاص عالمان مسلمان است جلوه خاصی داشت. در جنب این دو خصیصه، ارادت او به خاندان رسول اکرم بود. خدایش بیامرزد.^(۱)

درباره شخصیت، آثار و افکار محمد غزالی، کتابهایی ارزشمند به زبان عربی نگاشته شده که عبارتند از:

۱. رفع الشبهات عن الشيخ محمد الغزالی، احمد حجازی السقا.

۲. الشيخ محمد الغزالی، صور من حياة مجاهد عظیم.

۳. الشيخ محمد الغزالی، الموقع الفکری و المعارف الفکریة، محمد عمارة.

۴. الشيخ الغزالی و معركة الصحف، محمد شلبي.

۵. الشيخ غزالی كما عرفته في نصف قرن، يوسف القرضاوی.

۱. گسامی به سوی تفسیر مرضوعی سوره‌های قرآن کریم، محمد غزالی، علی اصغر محمدی، ج ۱، ص ۲.

۶. نظرات فی فکر الغزالی، عامر النجار.

۷. خطب الشیخ محمد الغزالی، دو جلد.

۸. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، فتحی حسن

ملکاوی.

اما تاکنون درباره شخصیت محمد غزالی، کتاب مستقلی به فارسی نوشته نشده است.

در این دفتر، هدف این است که با شیخ محمد غزالی به عنوان اندیشمندی که با نوشتن بیش از پنجاه عنوان کتاب ارزشمند، مسلمانان را به بیداری در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی فراخواند و در میان آنان ندای وحدت سر داد و حتی یک لحظه با آرمانها و فرهنگ غرب آشتی نکرد، بهتر آشنا شویم.

در پایان از استادم حضرت حجة الاسلام و المسلمین محمود مهدی پور که مرا در نگارش این دفتر یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

علی احمدی

فصل اول

از ولادت تا
بزرگسالی

کشور مصر از دیرباز خاستگاه اندیشمندان بزرگی بوده است. در سده‌های اخیر نیز بزرگانی چون شیخ محمد عبده، استاد حسن البنا، شیخ محمود شلتوت، وسید قطب از این کشور برخاسته و خدمات شایانی به اسلام و مسلمین انجام داده‌اند.

در سال ۱۳۳۴ ه. ق.^(۱) در یک خانواده ساده و متدین در روستای «نکلا العنب» واقع در استان بحیره، کودکی دیده به جهان گشود که بعدها به عنوان یکی از متفکرین بزرگ جهان اسلام معروف شد. پدرش شیخ احمد السقا که یکی از تجار روستا به شمار می‌آمد و دوستدار رسول ﷺ و آل رسول ﷺ بود، قبل از تولد محمد، خوابی شیرین دید که او را به پسری به نام محمد غزالی بشارت دادند. او از این رؤیا خوشحال بود و آرزوی تحقق آن را داشت. پس از مدتی خداوند به این انتظار پایان داد و پسری به او عطا کرد.

پدرش احمد که به عارف بزرگ اهل سنت، ابو حامد

غزالی عشق می‌ورزید، با توجه به علاقه‌اش و خوابی که دیده بود تصمیم گرفت نام فرزندش را محمد غزالی بگذارد.^(۱) شیخ محمد غزالی بعدها دربارهٔ وجه تسمیهٔ خود در یکی از جلسات درس گفت:

پدرم شیخ احمد السقا عارف مسلک بود؛ به اهل بیت علیهم‌السلام عشق می‌ورزید و برای بزرگان عرفان احترام خاصی قائل بود. او حجت‌الاسلام ابوحامد غزالی صاحب کتاب احیاء علوم‌الدین را بزرگ می‌داشت؛ لذا وقتی به دنیا آمدم، به دلیل تعلق خاطر به او، نام مرا محمد غزالی گذاشت که در واقع یک اسم مرکب است و نام خانوادگی من السقا است. در واقع پدرم با این آرزو چنین نامی را بر من نهاد که من نیز در عصر خود از شخصیتی همچون ابوحامد غزالی برخوردار شوم.^(۲)

محمد پس از گذراندن دوران کودکی، برای فراگیری ادبیات عرب و مقدمات علوم اسلامی، وارد مکتب خانۀ روستا شد. وی در بدو ورود، به حفظ قرآن مشغول و موفق شد در سن ده سالگی کل قرآن را حفظ کند. غزالی بعدها دربارهٔ آن روزهای می‌گوید: «هنگامی که به حفظ قرآن مشغول بودم، صبحگاهان، هنگام استراحت، پس از نمازهای یومیه،

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۳.

۲. گامی به سوی تفسیر موضوعی سررہهای قرآن کریم، محمد

غزالی، علی اسفندی، ج ۲، ص ۱۲.

هنگام قدم زدن، قبل از خواب و در تنهایی قرآن را حفظ و مرور می‌کردم. بعدها هم که بازداشت شدم، مرتب قرآن را ختم می‌کردم و در آن تنهایی وحشت زار، قرآن انیس و مونس من بود.^(۱)

محمد به دلیل مشکلات مالی پدر، دوران کودکی را با سختی گذراند. پدرش شش فرزند داشت و نمی‌توانست به آن‌ها به صورت مطلوب رسیدگی کند؛ لذا اتاق محمد بسیار کوچک و فقیرانه بود. ولی با وجود این، تمام هدف او در آن سنین کودکی حفظ قرآن بود.^(۲)

پدر محمد که بسیار علاقه‌مند بود فرزندش به تحصیل علوم دینی روی آورد، او را به اسکندریه^(۳) فرستاد. محمد در دانشکده‌های وابسته به دانشگاه الازهر مشغول تحصیل علوم دینی شد. از خصوصیات او در دانشکده این بود که با اساتید گفت و گوی علمی داشت و هوش و استعداد وافر، نبوغ فکری و قدرت اشکال‌گیری او، زبانزد استادان و شاگردان دانشکده بود. از خصوصیات دیگر او این بود که به هیچ عنوان راضی

۱. همان، ص ۱۸۴. ۲. همان، ص ۱۸۵.

۳. اسکندریه از شهرهای مهم تجاری و فرهنگی مصر، در غرب رود نیل واقع شده و جمعیت آن بیش از دو میلیون نفر است. این شهر در سال ۳۳۲ ق. م. توسط اسکندر کبیر ساخته شد. اسکندریه در قرن سوم میلادی از مراکز مهم فرهنگی و یکی از کانون‌های تمدن یونانی به شمار می‌رفت. این شهر در سال ۶۴۲ م. به تصرف اعراب درآمد و پس از نهمصد سال حکمرانی اعراب، در ۱۵۱۶ م. به تصرف ترک‌ها درآمد و ضمیمه امپراطوری بزرگ عثمانی گردید. (المنجد، ج ۲، ص ۲۴)

نمی‌شد از طرف مسئولین دانشکده بر دانشجویی، ظلمی صورت پذیرد.

محمد در سال ۱۳۵۶ ه. ق. یک مقطع تحصیلی را در دانشکده اسکندریه به پایان رساند و برای ادامه تحصیل در رشته اصول دین، به قاهره رفت و وارد دانشگاه الازهر شد. محمد غزالی در طول تحصیل در اسکندریه و قاهره، از محضر استادان زیادی کسب فیض کرد؛ ولی برخی از آنان در زندگی وی نقش کلیدی داشتند و او از آن‌ها بهترین استفاده علمی و اخلاقی را برد. از غزالی پرسیدند «چه کسانی در حیات علمی و دعوت اسلامی شما نقش داشتند؟» وی شیخ اباهیم غباوی و همچنین شیخ عبدالعزیز بلال را معرفی کرد و در باره آنها گفت: «ایشان در درجه عالی از عبادت و تقوی قرار داشتند و درس را به انگیزه قرب و رضایت الهی ممزوج می‌کردند و از تحصیل، با هدف کسب مدارج علمی به شدت نهی می‌نمودند، و معتقد بودند که القاب علمی، اخلاص را از بین می‌برد.»^(۱) وی سپس افراد زیر را معرفی کرد:

۳. شیخ عنانی.

۴. امام محمد ابوزهره؛ غزالی او را به داشتن جرأت و عمق بصیرت می‌ستاید.^(۲)

۵. شیخ عبدالعظیم زرقانی؛ وی استاد دانشکده اصول دین بود و تألیفاتی همچون «مناهل العرفان فی علوم القرآن» داشت.

۱. الشيخ الغزالی كما عرفته، ص ۳۵.

۲. العطاء الفکری للشيخ محمد الغزالی، ص ۱۸۷.

۶. شیخ محمود شلتوت؛ بر اساس گفته غزالی، شیخ محمود شلتوت تأثیر عقیدتی و فکری بر وی داشته ولی در محضر او زانوی شاگردی نزده است. غزالی، شلتوت را ستوده و درباره او می‌گوید: «وی مدرّس تفسیر قرآن بود و قدرتی مورد توجه در این زمینه داشت. در فقه و شریعت نیز دستی داشت. شخصیتی عالم و بارز بود و افراد زیادی گردش را فرا گرفته بودند.»^(۱)

۷. حسن البنا: بی شک حسن البنا بیشترین تأثیر را بر ذهن و فکر غزالی گذاشت. اولین ملاقات غزالی و حسن البنا هنگامی بود که وی در دانشکده اسکندریه مشغول تحصیل بود. وی خاطره اولین دیدار را این گونه بازگو می‌کند: «هنگامی که در اسکندریه مشغول تحصیل بودم، شبی از شبها، حسن البنا را که به دانشکده آمده بود، از نزدیک مشاهده کردم و هنوز هم قیافه پر جاذبه‌اش از ذهنم پاک نمی‌شود.»^(۲)

غزالی از بنا به عنوان مجدد اسلام در قرن چهاردهم هجری یاد می‌کند.^(۳) و معتقد است تربیت روحی و اسلامی بنا، اثر ماندگاری در جامعه اسلامی مصر گذاشت و باعث تربیت نسلی انقلابی و اسلامی در مصر گردید.

غزالی با پشتکار و کوشش، پس از چهار سال تحصیل در ۱۳۶۰ ه.ق. در سن ۲۶ سالگی، موفق شد از دانشگاه الازهر

۱. شیخ الغزالی کما عرفته، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۰. ۳. همان، ص ۳۱.

فارغ التحصیل شود. او همچنین موفق به کسب اجازه دعوت و ارشاد و اجازه تدریس در دانشگاه الازهر گردید.^(۱)

غزالی در دانشکده اصول دین و مرکز بررسی های عربی و اسلامی دانشگاه الازهر مشغول تدریس و فعالیت علمی شد. وی همچنین سالیانی چند، ریاست شورای معارف اسلامی دانشگاه عبدالقادر را به عهده داشت. به عقیده صاحب نظران، اعتبار این دانشگاه در دوره های فوق لیسانس و دکترای رشته های فرهنگ اسلامی، مبانی دین و شریعت اسلام و غیره بیشتر مرهون کلاسهای درس غزالی بوده است.^(۲)

دانشجویان زیادی از محضر درس غزالی استفاده کرده اند که به نام یک تن از زبده ترین آنها اشاره می کنیم:

یوسف قرضاوی که از متفکرین و فقهای بزرگ اهل سنت است. او در سال ۱۳۴۴ ه. ق. در روستای «صفط تراب» از توابع استان غربی مصر متولد شد و پس از دوران کودکی، وارد مکتب خانه روستا گردید. او در سن نه سالگی موفق به حفظ کل قرآن کریم شد. و بعداً برای ادامه تحصیلات، وارد دانشگاه الازهر گردید.

وی در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۳ ه. ق. به جرم همکاری با اخوان المسلمین، توسط رژیم مصر دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی، به تدریس در دانشگاه الازهر و تألیف مشغول

۱. العطاء الفکری للمشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۵.

۲. مجله آیینة پژوهش، شماره ۳۷.

شد. او در سال ۱۳۸۰ ه. ق. به قطر هجرت کرد و مرکز فرهنگی «بحوث سته و سیره» را تأسیس نمود و خود به عنوان مدیر آن مرکز مشغول فعالیت گردید و تا کنون در آن کشور به امور فرهنگی مشغول است.^(۱)

شیخ محمد غزالی به شاگردش ارادت داشت و درباره شخصیت علمی او گفت: «قرضاوی از بزرگان عصر ماست؛ او از کسانی است که بین علوم نقلی و عقلی جمع کرده است. قرضاوی در دانش اندوزی، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. من مدرّس قرضاوی و او استاد من است. شیخ یوسف شاگردم بود اما در حال حاضر من شاگرد او هستم.»^(۲)

قرضاوی تا کنون ۱۲۸ کتاب در زمینه‌های قرآن، سنت، فقه، اصول، اقتصاد اسلامی، تربیت اسلامی، تبلیغ اسلامی، وحدت، ادب و شعر به رشته تحریر درآورده است.^(۳)

غزالی در سال ۱۳۶۲ ه. ق. از طرف وزارت اوقاف و امور خیریه مصر به سمت امام جماعت و خطیب جمعه مسجد القبة الخضراء در قاهره منصوب گردید. او پس از مدتی به استخدام وزارت اوقاف مصر درآمد و به عنوان وکیل وزارت اوقاف در امور تبلیغی اسلامی منصوب شد. یکی از وظایف غزالی در این سمت، نظارت بر امور مساجد کشور مصر بود. وی در این شغل حساس، بدون هیچ واهمه‌ای از مقامات

۱. یوسف القرضاوی، ص ۱۲. ۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ۱۲۸.

بالاخر، به وظایف اسلامی خویش عمل می‌کرد. محمد عبدالله در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند که نشانگر این مطلب است. وی می‌گوید:

پس از درگذشت «نکرومه»^(۱) فرمانروای کشور غنا، در حالی که من در انتظار آمدن استاد غزالی در کتابخانه بودم، وزارت خارجه از آن رو که غزالی مدیر مساجد بود، با وی تماس گرفت تا مسجد «عمر مکرم» را برای ترحیم و بزرگداشت «نکرومه» آماده سازند؛ چون صلاح دیدند مجلس ختمی در این مسجد برای «نکرومه» منعقد گردد. استاد «سید سابق» تلفنی پاسخ داد که استاد غزالی در کتابخانه حضور ندارد. من خدا را سپاس گفتم؛ زیرا اگر استاد در کتابخانه بود و درخواست وزارت خارجه را رد می‌کرد، طوفانی از انتقاد غزالی

۱. قسوام نکرومه (۱۹۰۹ - ۱۹۷۲ م.) در سال ۱۹۰۹ م. در «اکرا» پایتخت غنا متولد شد. وی در سال ۱۹۵۰ م. رهبری مبارزات مردم غنا علیه اشغالگران هلندی را بر عهده گرفت و با تلاش‌های او و پشتیبانی مردم در سال ۱۹۵۷ م. غنا به استقلال رسید. نکرومه در سال ۱۹۶۰ م. در غنا نظام جمهوری تشکیل داد و خودش به عنوان اولین رئیس جمهوری غنا، زمام امر را به دست گرفت.

قسوام نکرومه، گرایشهای سوسیالیستی داشت و با کشورهای سوسیالیست جهان رابطه برقرار کرد ولی از لحاظ اقتصادی به غرب وابسته بود. دوران حکومت او با کودتای «سرگرد کوازی» در سال ۱۹۶۷ م. به پایان رسید. (غنا، رامین زارع، ص ۱۵).



را به یورش می‌گرفت. وقتی استاد به کتابخانه آمد و از جریان امر اطلاع یافت، سوگند یاد کرد که به چنین کاری - هر چند مستلزم حادثه ناگواری می‌شد - تن در نمی‌داد. بازماندگان «تکرومه» مجبور شدند مجلس ترحیم را در کلیسای «شیرا» منعقد کنند.^(۱)

غزالی در دورانی که در وزارت اوقاف مشغول فعالیت بود، از طرف آن اداره به کشورهای عربستان سعودی و قطر سفر کرد و در آن جا ضمن انجام مأموریت، در دانشگاه‌های وابسته به الازهر به تدریس پرداخت.^(۲)

غزالی در طول نیم قرن فعالیت‌های فکری در جهان اسلام، موفق شد چندین تقدیر نامه دریافت کند. وی از ملک فیصل پادشاه عراق نشان خدمت به اسلام دریافت نمود؛ ولی هنگام دریافت جوایز اهدایی ملک فیصل، این آیه شریفه را با کمال فروتنی بر زبان آورد: ﴿زَبَّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ قَلْبُ أَكُونُ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ﴾^(۳) ای خدا، به شکرانه نعمتی که به من دادی، هیچگاه بدکاران را یاری نخواهم کرد.

غزالی از کشورهای موریتانیا و الجزایر درجه ترفیع دریافت کرد و از طرف کشورهای عربستان، سودان و قطر مورد تکریم قرار گرفت. او همچنین در سال ۱۴۰۰ ه. ق. به

۱. فصلنامه مبقات حج، ش ۲۳، بهار ۱۳۷۷، ص ۲۰۵.

۲. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۴.

۳. قصص / ۱۷.

خاطر کوشش در راه دعوت اسلامی، از طرف کشور پاکستان و
در سال ۱۴۱۵ ه.ق. از طرف کشور مالزی نشان اول آن کشور
را دریافت کرد.^(۱)

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۵.

فصل دوم

در سنگر
تبلیغ و مطبوعات

همان طور که غزالی با نوشتن بیش از پنجاه کتاب پر محتوا و مفید نام خود را به عنوان یکی از نویسندگان مهم مصر و جهان اسلام به ثبت رساند، از امر تبلیغ و خطابه هم غافل نبود و توانست با زبان، مردم را به سوی تعالیم اسلامی فراخواند. یوسف قرضاوی یکی از متفکرین برجسته مصری دربارهٔ نقش تبلیغی غزالی می‌گوید: «دههٔ شصت میلادی در تاریخ مصر، دههٔ سختی برای مسلمانان مصر بود. هر صدای آزادی خواهی در نطقه، خفه می‌شد. در این اوضاع پر غوغا فقط صدای غزالی قطع نشد و صوت او تنها صدایی بود که مردم را به دعوت اسلامی و دعوت به سوی خدا فرا می‌خواند. او مانند شمعی در آن موقع حساس سوخت و هادی مردم بود.»^(۱)

غزالی برای ارشاد مردم، در مواقعی از سال به خصوص ماه مبارک رمضان، به نقاط مختلف کشور پهناور مصر می‌رفت و آنان را با قرآن و معارف اسلام آشنا می‌کرد. استاد

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۹.

محمد شلبي درباره تلاش و پشتکار غزالی در امر تبليغ می‌گوید:

کمی از مردم مبلغ بزرگ (غزالی) را می‌شناسند. او عصر پنج‌شنبه به «بالمینا» می‌رفت و در نماز مغرب و عشاء شرکت می‌کرد و پس از نماز برای مردم به سخنرانی می‌پرداخت. فردای آن روز (ظهر جمعه) در «منفلوط»^(۱) نماز جمعه را اقامه می‌کرد و برای مردم خطبه می‌خواند. عصر همان روز در «اسیوط»^(۲) حاضر می‌شد و به ارشاد مردم می‌پرداخت و پس از نماز عشاء به «سوهاج»^(۳) می‌رفت و در آنجا مردم را موعظه می‌کرد. و صبح شنبه در قاهره قبل از همه همکارانش سرکار حاضر بود.^(۴)

۱. شهری واقع در استان اسیوط، که در ساحل غربی رود نیل واقع شده است. (المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۶۸۹).

۲. از شهرهای قدیمی مصر که در ساحل غربی رود نیل واقع شده است. این شهر یکی از مهمترین مراکز تجاری، صنعتی و فرهنگی مصر و مرکز استان اسیوط است. این شهر زادگاه عالمان بسیاری از جمله، عالم بزرگ اهل سنت جلال‌الدین سیوطی است. (المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۴۷).

۳. از شهرهای قدیمی مصر که در ساحل غربی رود نیل واقع شده و مرکز استان بسوهاج است. بسوهاج از شهرهای باستانی مصر به شمار می‌رود و شغل بیشتر مردم، ماهیگیری است. (المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۳۷۳). ۴. همان، ص ۱۸۶.

غزالی از تبلیغ در دیگر کشورهای اسلامی غافل نبود و برای انجام این امر مهم به کشورهای گوناگون مسافرت کرد. وی در این باره می‌گوید: «در سرزمین‌هایی که سفر کردم، خاطراتی دیدم که در روح و جانم آثار فراوانی گذاشته است: زیرا مسافرت من با سیاحت، عبادت، و دعوت به خدا و بیداری مسلمانان که در خواب عمیق فرو رفته‌اند، توأم بود.»^(۱)

وی در ماه مبارک رمضان برای ارشاد و تبلیغ به اردوگاهی نزدیکی غزه، که پناهندگان فلسطینی در آن جا سکونت داشتند، رفت. او از این سفر جز غم و اندوه مسلمانان، خاطره دیگری ندارد و در این باره می‌گوید: «در اردوگاه، همه ناراحت و پریشان بودند؛ صورت‌هایشان زرد و لباس ذلت آنان آشکار بود.»^(۲)

او همچنین یک ماه مبارک رمضان برای تبلیغ به خارطوم پایتخت سودان رفت و در آن جا همزمان با تبلیغ، در دانشگاه خارطوم، به تدریس معارف اسلامی مشغول شد. غزالی از بروز مظاهر غربی در سطح جامعه سودان ابراز ناراحتی کرده، می‌گوید: «آن‌ها لباس مخصوص خود را می‌پوشند و در ماه رمضان به طور علنی روزه می‌خورند؛ اگر رنگ پوست آن‌ها گواهی نمی‌داد، می‌گفتم انگلیسی هستند. شراب

۱. اسلام و بلاهای ترین، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۲.

خواری به قدری رواج دارد که از نظر مصرف شراب، سومین کشور جهان است و یکی از شرکت‌های شراب، وابسته به انگلیس، کارخانه‌ای برای شراب سازی در خارطوم ساخته است.^(۱)

غزالی از سنین جوانی با مطبوعات مصر ارتباط علمی برقرار کرد. مقالات وی که حاوی مطالب متنوع اسلامی و دارای بیانی شیوا و روان بود، مورد استقبال مردم به خصوص جوانان واقع می‌شد. وی فعالیت مطبوعاتی خود را با هفته نامه «اخوان المسلمین» وابسته به جمعیت اخوان المسلمین آغاز کرد. مقالات وی در این هفته نامه به طور مرتب در ستونی به نام «خواطر حره» به چاپ می‌رسید. ولی با دستگیر و زندانی شدن وی در سال ۱۳۶۷ ه. ق. امکان همکاری با مطبوعات از او سلب شد؛^(۲) و با شدت یافتن فعالیت جمعیت اخوان المسلمین و رویارویی آن‌ها با حکومت وقت، مجله اخوان المسلمین نیز تعطیل گردید. غزالی پس از آن در مجله «المباحث» و سپس در مجله «الدعوة» که صالح عشاوی آن را تأسیس کرده بود، مشغول فعالیت شد و با مجلات «لواء الاسلام»، «الشعب»، «هذا دیننا»، «المسلمون» متعلق به عربستان سعودی و مجله «الحق المر» ارتباط علمی

۱. همان، ص ۱۷۴.

۲. الشیخ الغزالی کما عرفته، ص ۱۱.

داشت. ^(۱) همچنین هنگامی که سید قطب ^(۲) مجله سیاسی - اجتماعی «الفکر الجدید» را منتشر کرد، غزالی یکی از نویسندگان آن به شمار می‌رفت.

مسئله‌ای از مسائل روز نبود که غزالی در مقابل آن موضعگیری نکند و مقاله‌ای درباره آن ننماید. مقالات انقلابی و اسلامی او در مطبوعات مصر، خشم حکومت و عوامل غربزده را برانگیخت. وی درباره خشم عناصر غربزده می‌نویسد: «دوست داشتم تمام احساسات و دریافت‌های خویش را به طور کامل بنکارم تا در هنگام دیدار الهی، کتمان‌گر دانش و دریغ ورزنده خیرخواهی نباشم.» ^(۳)

غزالی ضمن انتقاد شدید از روزنامه نگاران مصر که به مقدسات دینی از جمله به نماز، روزه، و حجاب حمله می‌کنند، آن‌ها را آمریکایی می‌خواند و می‌نویسد: «نشریاتی که باید در این عهد به سوی ترقی افکار قدم بردارند، با کمال تأسف شغل روزنامه نگاری آمریکایی را پیش گرفته‌اند و در دامن زدن به آشوب و تفریح جاهلان و باز کردن راه جرائم، مسابقه گذاشته‌اند.» ^(۴) وی در جای دیگری می‌گوید: «جای تردید نیست که کوچک کردن اسلام و انتقاد از پیروان آن، و

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۷۴.

۲. ر. ک: طلایه داران تقرب، سید قطب.

۳. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۵.

۴. اسلام و بلاهای نوین، ص ۱۵۹.

احترام به دیانت‌های دیگر و تجلیل از روحانیت آن، طرحی است که قلم‌های معینی آن را به وجود آورده‌اند؛ و دولت‌هایی که مؤسسات تبشیری را به وجود می‌آورند و مأمورین آن را حفظ می‌کنند، از کارهای آنان حمایت می‌نمایند.»^(۱)

فصل سوم

غزالی
و اخوان المسلمین

جمعیت اخوان المسلمین یکی از جمعیت‌های مبارز در سالهای ۱۳۰۹ - ۱۳۴۹ ه. ش. بود که در بیشتر کشورهای عربی فعالیت می‌کرد و مقر اصلی آن در مصر قرار داشت. این جمعیت در ذی القعدة سال ۱۳۴۷ ه. ق. توسط حسن البناء (۱۳۲۴ - ۱۳۶۸ ه. ق.) در شهر اسماعیلیه مصر پایه‌گذاری شد و فعالیت خود را در مدرسه التهذیب، باتعلیم قرآن، تجوید، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی آغاز کرد.

حسن البناء در سال ۱۳۵۰ ه. ق. رساله‌ای حاوی اهداف جمعیت اخوان المسلمین منتشر کرد و به عنوان دبیرکل جمعیت برگزیده شد. با گسترش فعالیت سیاسی و دینی جمعیت، تشکیلات آن از اسکندریه به قاهره منتقل گردید. در سال ۱۳۵۵ ه. ق. چهارمین کنگره اخوان المسلمین مصر برگزار شد و در آن پادشاهی ملک فاروق تأیید گردید. (این تصمیم جمعیت، مورد انتقاد بسیاری قرار گرفته است.)

در سال ۱۳۵۶ ه. ق. در پنجمین کنگره اخوان المسلمین، تصمیمات ارزشمندی گرفته شد که مهمترین آنها عبارت بود از: ۱. آزادی وطن از سلطه بیگانه مخصوصاً

انگلیس؛ ۲. تشکیل حکومت اسلامی در مصر؛ ۳. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی؛ ۴. مبارزه و مخالفت با استعمار؛ ۵. طرفداری از استقلال کشورهای اسلامی در هر نقطه جهان؛ ۶. ضدیت با ملی‌گرایی و تلاش برای وحدت جهان اسلام.

هنگام جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۲۷ ه. ش. جمعیت اخوان المسلمین از نظر سیاسی، مالی و نظامی به یاری فلسطینیان شتافت و بسیاری از اعضای آن در این جنگ شرکت کردند. پس از این وقایع از طرفی، محبوبیت اخوان المسلمین در بین مسلمانان بشدت افزایش یافت و از طرف دیگر دربار مصر و استعمار پیر انگلیس بشدت از آنان عصبانی و ناراحت شدند. لذا دولت نقراشی پاشا به فرمان ملک فاروق در صفر ۱۳۶۸ ق. فرمان انحلال جمعیت اخوان المسلمین را صادر کرد و بسیاری از اعضای آن بازداشت شدند و اموال جمعیت مصادره گردید.^(۱)

غزالی که از اعضای فعال جمعیت به شمار می‌رفت در سال ۱۳۶۹ ه. ق. به جرم همکاری با اخوان المسلمین، بازداشت شد. وی همراه عده‌ای از اعضای دیگر جمعیت، به زندانی به نام «الحذاء» در شهر طور^(۲) منتقل شدند. غزالی در زندان نیز دست از هدفش برنداشت و با هدف روشنگری

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۷۹.

۲. شهری واقع در منطقه سینا که در جنوب غربی «کره موسی در کنار خلیج سوئز» قرار گرفته است. (المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۴۳۹)

زندانیان. به سخنرانی می پرداخت و بیشتر سخنرانی های او پس از اقامه نماز بود. وی در سخنرانی هایش ضمن ابراز نظرات جدید به جمعیت زندانی که اکثر آنها از اعضای اخوان المسلمین بودند، به آنها دلداری و امید به پیمودن راه سخت مبارزه می داد. غزالی به عنوان رهبر زندانیان شناخته می شد و زندانیان به حرف و تصمیم او احترام می گذاردند. یوسف قرضاوی متفکر مصری، که همراه غزالی در زندان به سر می برد، درباره آن روزها می گوید: «شیخ غزالی در زندان در نمازها، امام جماعتان و در روزهای جمعه خطیب جمع زندانیان بود. وی روزها برایمان درس می داد و دعای قنوت نمازش این بود: اللهم افکک بقوتک أسرنا، و اجبر برحمتک کسرنا و تول بعنایتک أمرنا، اللهم استر عوراتنا و أمن روعاتنا، اللهم علیک بالظالمین»^(۱)

در سال ۱۳۶۹ ه. ق. هنگامی که غزالی در زندان به سر می برد، در بیرون زندان اتفاقات ناگواری رخ داد. جمعیت اخوان المسلمین که پس از انحلال، به طور سری فعالیت می کردند، با طرح ریزی یک عملیات توانستند تفراشی پاشا نخست وزیر مصر (عامل انحلال حزب اخوان المسلمین) را به قتل برسانند. پس از مدتی به تلافی این اقدام، حسن البنا، بنیان گذار اخوان المسلمین توسط حکومت مصر، به قتل رسید. فقدان وی موجی از اندوه را در میان شاگردان و

۱. الشیخ الغزالی كما عرفته، ص ۱۶.

طرفدارانش ایجاد کرد.

غزالی هنگامی که خبر شهادت حسن البنا را شنید، بسیار غمگین شد و گفت: «روح بزرگی را کشتند که از عبادت خدا خاشع بود و قیام و سجود می‌کرد و در راه خدا قدم برمی‌داشت. اروپا فهمید که با وجود این مرد، بقائش در شرق، با خطر روبه‌رو خواهد شد لذا او را برداشت.»^(۱) وی ضمن دلداری دادن به دوستانش در یکی از سخنرانی‌هایش خطاب به آن‌ها گفت: «مرگ حسن البنا به این معنی نیست که معرکه با دشمنان خدا و دشمنان امت اسلام تمام شده است؛ بلکه پرچمی که البنا آن را برافراشت، سربازان و شاگردانش بعد از او در اهتزاز نگه خواهند داشت و این دعوت به هیچ عنوان ساقط نخواهد شد.»^(۲) وی معتقد بود مرگ حسن البنا، باعث کندی حرکت جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام نمی‌شود؛ زیرا وی موفق شد شاگردانی مجاهد و مبارز تربیت کند.

شخصی نزد غزالی آمد و گفت «با مرگ البنا، به وطن و اسلام خسارت جبران ناپذیری وارد شد.»

غزالی سخن او را رد کرد و گفت «دعوت حسن البنا زنده است و نمی‌میرد.»

آن شخص در جواب غزالی گفت «لکن دعوت اسلامی احتیاج به مردان مبارزی دارد.»

۱. تأملات فی الدین و الحیاة، ص ۲۵.

۲. الشیخ الغزالی كما عرفته، ص ۳۴.

غزالی جواب داد: حسن البنا مردانی تربیت کرد که ﴿صدقوا ما عاهدوا الله عليه﴾.^(۱)

غزالی در سالگرد شهادت حسن البنا، به پاس نکوداشت وی، مقاله‌ای تحت عنوان «غصن باسق فی شجرة الخلود» (شاخه‌ای بلند بر درخت جاودانگی) در مجله «الدعوة» نگاشت.^(۲)

غزالی در سال ۱۳۶۹ ه. ق. پس از تحمل سختی‌های زندان، آزاد شد و به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد. وی در ابتدای امر، درسهایی را که در زندان برای زندانیان می‌گفت، با عنوان «الاسلام و الاستبداد السياسي» منتشر کرد.

پس از حسن البنا، حسن هضیبی از طرف اعضای جمعیت اخوان المسلمین، به عنوان دبیر کل انتخاب شد.

در سال ۱۳۷۲ ه. ق. با کودتای نظامی به فرماندهی ژنرال جمال عبدالناصر، ملک فاروق از سلطنت خلع و نظام حکومتی مصر از پادشاهی به جمهوری تبدیل شد. جمعیت اخوان المسلمین که با نظام پادشاهی مخالف بود، با عبدالناصر همکاری کرد و در پیروزی کودتا نقش به سزایی داشت. عبدالناصر هنگامی که به حکومت رسید، به پاس همکاری آنان، جمعیت اخوان المسلمین را به رسمیت شناخت. ولی بعدها مواضعش تغییر کرد و با آنها درگیر شد و

۱. همان، ص ۳۴.

۲. الشيخ الغزالی كما عرفته، ص ۳۱.

دستور اعدام عده‌ای از متفکرین اخوان المسلمین همچون سید قطب را صادر کرد.

غزالی در ابتدا همچون دیگر اعضا، نسبت به عبدالناصر حسن ظن داشت و از او حمایت می‌کرد. ولی بعدها با شفاف‌تر شدن اقدامات عبدالناصر، از مواضع خود عدول کرد و کتاب‌هایی از جمله «قذائف الحق»، «الاسلام و الزحف الاحمر» درباره توطئه عبدالناصر نسبت به اسلام و امت اسلامی نگاشت.^(۱) عبدالناصر که از نفوذ فکری غزالی در بین جوانان اخوان المسلمین هراس داشت، حسن هضیبی را تحریک کرد که غزالی و دیگر افراد تأثیرگذار را از جمعیت برکنار کند. حسن هضیبی که روابط صمیمانه‌ای با عبدالناصر داشت، چهار عضو ارشد اخوان المسلمین: صالح عشاوی، وکیل جمعیت اخوان المسلمین، دکتر محمد سلیمان، احمد عبدالعزیز جلال، و غزالی را از کنار برکنار کرد.^(۲)

۲. همان، ص ۴۴.

۱. همان، ص ۵۶.

فصل چهارم

موضوعگیری‌های
غزالی

محاكمة عوامل ترور فرج فوده

دکتر فرج فوده، نویسنده مرتد مصری، دین اسلام را به تمسخر گرفت و به مسلمانان اهانت کرد و توسط عده‌ای از جوانان انقلابی به قتل رسید. با شکایت شاکیان، پرونده‌ای علیه متهمان، تشکیل و دادگاه متهمین به قتل فرج فوده برگزار شد. غزالی به عنوان دفاع از متهمین در جلسه حاضر شد و به سؤالات دادگاه پاسخ گفت.

دادگاه: حکم کسی که حکم خدا را عوض می‌کند و

حلال را حرام و حرام را حلال می‌کند، چیست؟

- یقیناً مسلمان نیست.

- حکم مرتد از نظر شرعی چیست؟

- بقای این عناصر در جامعه اسلامی، جرثومه فساد

است و مردم را بر ترک اسلام سوق می‌دهند و بر

حاکم واجب است که او را به قتل برساند.^(۱)

- اگر دولت اقدام نکند، حکم ملغی می‌شود؟

- در صورتی که دولت مصر در مورد مجازات اعدام مرتدین کوتاهی کند، ناچاراً این وظیفه مسلمانان جامعه خواهد بود تا این افراد را به سزای اعمالشان برسانند.^(۱)

مقابله با غربزدگی

خالد محمد خالد یکی از استادان دانشگاه الازهر مصر و از همفکران و دوستان غزالی به شمار می‌رفت. وی با انتشار کتابی به نام «یا أربعمائة مليون هبوا!» مسلمانان جهان را به وحدت در مقابل توطئه‌های استعمار جهانی، دعوت کرد.^(۲) پس از مدتی نظرات او ۱۸۰ درجه تغییر کرد و به شدت به غرب متمایل گردید. در سال ۱۳۷۰ ه.ق. کتابی به نام «من هنا نبدا» نگاشت و در آن از نظریه علمی عبدالرزاق حمایت کرد. وی با دفاع از دمکراسی غربی، به اصولگرایی جمعیت «اخوان المسلمین» به شدت حمله کرد و بر غیر دینی بودن دولت تأکید و از نظریه جدایی دین از سیاست حمایت نمود. غزالی در ردّ این کتاب، سلسله مقالاتی در مطبوعات به چاپ رساند و به طور مفصل و با بیانی محکم و مستدل به نظرات خالد جواب داد.^(۳) غزالی با خالد روابط دوستانه داشت ولی در این کتاب، بدون ملاحظه رفاقتش، با شدت در مقابل افکارش ایستاد. وی در این باره می‌گوید «همانا خالد دوست

۱. روزنامه رسالت، ۲۷ / ۱ / ۱۳۷۳، ص ۳.

۲. الشیخ الغزالی كما عرفته، ص ۲۱.

۳. رویارویی مسلکها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷ م، علی ستان، ص ۵۴.

من است ولی حق برای من دوست داشتنی‌تر است.»^(۱)

مساوات زن و مرد

در سال ۱۳۸۲ ه.ق. کنگره نیروهای خلق برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این کنگره، به بحث و بررسی پیرامون منشور جدید کشور مصر پرداختند. یکی از مواد جنجال برانگیز این قانون، برابری زن و مرد، در همه زمینه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی بود. جمال عبدالناصر طی سخنانی از مساوات و برابری زن و مرد در همه زمینه‌ها حمایت و خواستار تصویب قوانینی در این باره شد. پس از سخنرانی عبدالناصر، غزالی بلند شد و طی سخنانی از طرح برابری زن و مرد به شدت انتقاد کرد و آن را مخالف احکام صریح اسلامی دانست. وی در این جلسه ضمن انتقاد از بی‌حجابی برخی زنان مصری، پیشنهاد کرد قانونی تصویب شود که پوشیدن لباس بلند (که دست‌ها و پاها را تا مچ بپوشاند) برای زنان اجباری باشد. وی از وضعیت ناپه‌نچار در مراکز آموزش عالی نیز انتقاد کرد و خواستار تصویب قانونی شد که طبق آن، دانشجویان دختر و پسر جداگانه تحصیل کنند. او همچنین خواستار وضع قانونی شد که بر اساس آن، خرید و فروش مشروبات الکلی ممنوع باشد.^(۲)

پس از این کنفرانس، روزنامه «الاهرام» که به شدت از نظرات اصولی غزالی ناراحت شده بود، او را به خشکه

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۹۶.

۲. ماهنامه مکتب اسلام، ربیع الثانی، ۱۳۴۱، ص ۵۹.

مقدسی و تحجر متهم کرد و از او کاریکاتوری موهن به چاپ رساند.^(۱) این اقدام باعث خشم و ناراحتی دانشجویان گردید. آنها درس‌ها را تعطیل کردند و ضمن برگزاری راهپیمایی، حمایت خود را از مواضع اصولی غزالی اعلام داشتند.^(۲)

قانون احوال شخصیه

در نیمه هفتاد میلادی تغییر قانون احوال شخصیه مورد بحث قرار گرفت. اندیشمندان مسلمان بر ضد تغییر این قانون موضع‌گیری کردند. از جمله غزالی با سخنرانی و نوشتن مقاله، مخالفت خود را به دولت وقت مصر اعلام کرد. دکتر عبدالرحمن عدوی در این باره می‌گوید: «غزالی در دانشگاه الازهر در کنفرانسی شرکت کرد و در آن مقاله‌ای با عنوان «مناقشة قانون الاحوال الشخصية» قرائت کرد. پس از قرائت مقاله توسط غزالی، زکریا بزی، وزیر اوقاف مصر به شدت ناراحت شد و گفت: جریمه این کار تو این است که از کار برکنار شوی.» غزالی با وجود تهدیدها، از موضع خود عقب نشینی نکرد و برای روشنگری افکار عمومی، به مسجد عمروبن عاص (بزرگترین مسجد آفریقا) رفت و برای سی هزار نفر از نمازگزاران آن مسجد به سخنرانی پرداخت و دولتمردان را از تصویب این قانون نهی کرد.

تجمع مردم در اطراف غزالی و تأثیر نظرات وی بر افکار

۱. العطاء، الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۸

۲. ماهنامه مکتب اسلام، ربیع الثانی، ۱۳۴۱، ص ۵۹

عمومی، موجب نگرانی مسئولین مصر گردید. لذا به دستور وزارت اوقاف، از ورود مجدد وی به مسجد عمرو بن عاص جلوگیری کردند. وی مجبور شد برای اقامه نماز و فعالیت‌های دینی به مسجد صلاح‌الدین آیبی برود. تنگ نظری‌ها و اذیت‌های مسئولین باعث شد که غزالی تصمیم بگیرد مصر را ترک و به عربستان سعودی هجرت کند. وی در این زمینه می‌گوید: «مرا به زور به مسجد صلاح‌الدین فرستادند؛ در حالی که از سخنرانی منع شده بودم. هنگامی که به آن مسجد رفتم، هیچ مکانی نیافتم تا در آنجا امور تبلیغی و دینی‌ام را انجام دهم... چون اوضاع را این‌گونه دیدم، به سرعت مصر را ترک کردم و به عربستان سعودی رفتم. در آنجا به عنوان سرپرست گروه اصول دین دانشگاه «الشريعة و الدراسات الاسلامية» منصوب شدم.^(۱)

انقلاب اسلامی ایران

روشنفکران مسلمان در اقصی نقاط جهان، از دیرباز آرزوی تشکیل کشوری بر پایه موازین اسلامی داشتند و در این راه تلاش‌های فراوانی انجام دادند. سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، حسن البنا، سید قطب و بسیاری دیگر از اندیشمندان انقلابی به امید تشکیل دولتی اسلامی، با استعمار و استکبار مبارزه می‌کردند.

هنگامی که نظام اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی ره به پیروزی رسید، بسیاری از روشنفکران در

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۹۱.

کشورهای مختلف اسلامی حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران ابراز داشتند. غزالی در حمایت از انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: «من حمایت کامل خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام می‌کنم، مادامی که ایران با اتکال به خداوند راه خویش را برای امت واحدی ادامه دهد، ان شاء الله به اهداف خود دست می‌یابد.

تجاوز عراق به ایران با حمایت مستقیم امپریالیسم جهانی صورت گرفته است. من صدام را تجاوزگری می‌دانم که با تسلیحاتش در جهت منافع دشمنان اسلام عمل می‌کند.»^(۱) شیخ محمد غزالی شدیداً تحت تأثیر افکار امام خمینی قرار گرفته بود و در مقاطع مختلف از او یاد می‌کرد. هنگامی که امام خمینی فتوای تاریخی خود مبنی بر ارتداد سلمان رشدی را اعلام داشتند، شیخ محمد غزالی در جلسه‌ای ضمن تقدیر از ایشان فرمود:

در یکی از جلسات با عده‌ای از علمای قاهره، آرزو کردم که ای کاش خداوند جرعه‌ای از شجاعت امام خمینی را به تمام علمای اسلام عطا می‌کرد. زیرا وقتی که در مرکز فرهنگ - انگلستان - توطئه‌ای علیه اسلام و مسلمین ترتیب یافت و فردی بی شخصیت و پرکینه نسبت به اسلام، شدیدترین اهانت‌ها را به مقدس‌ترین انسان تاریخ یعنی نبی اکرم ﷺ و همسران و اصحابش روا داشت، همه

ساکت بودند و تنها او (امام خمینی) بود که با شجاعت و شهامت، حکم ارتداد این فرد حقیر و بی ادب را صادر کرد.^(۱)

حزب بعث و صدام حسین

از دید غزالی حکومت صدام، حکومتی خونریز و سفاک است. وی در این باره می‌گوید: «صدام یک میلیون مسلمان شیعی را به قتل رسانده؛ همان‌گونه که صد هزار مسلمان سنی کرد را به قتل رسانده است. افزون بر این، تاریخ حزب بعث در کشورهایایی که حکومت کرده، توأم با قتل و کشتار و خونریزی می‌باشد.»^(۲)

پس از جنگ عراق با کویت، در سال ۱۳۷۰ ه. ش. شیعیان این کشور علیه حکومت بعث عراق قیام کردند. این قیام که به «انتفاضه شعبانیه» معروف است، خسارات جبران ناپذیری بر پیکره تشیع در جنوب عراق وارد ساخت و دهها هزار نفر توسط رژیم عراق به شهادت رسیدند. پس از سقوط رژیم صدام، صدها گور دسته جمعی در اطراف شهرهای مذهبی کربلا و نجف پیدا شد و از جنایات رژیم سفاک بعثی پرده برداشت. غزالی ضمن ابراز تأسف از این اقدام رژیم عراق می‌گوید: «این اولین بار نیست که بعث عربی دست به چنین کاری می‌زند و آخرین آن نیز نخواهد بود. قومیت عربی و بعث عربی از ساخته‌های شیطان است و برای روگرداندن مردم از

۱. گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۳.
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹ / ۷ / ۹، ص ۱۱.

دینشان می‌باشد. هنگامی که بعث عربی به ایران حمله کرد، اعراب آن را تأیید کردند. خدا و پیامبر اسلام را فراموش کردند و مورد مؤاخذه قرار نگرفتند.^(۱)

انفجار در حرم رضوی

در تاریخ ۱۳۷۳/۳/۳۰ ه.ش. برابر با عاشورای حسینی، یکی از عوامل گروهک تروریستی منافقین در کنار ضریح مقدس امام رضا علیه السلام بمب‌گذاری کرد که در نتیجه، ۲۷ نفر شهید و تعداد زیادی مجروح شدند. این اقدام موجی از انزجار جهانی علیه گروهک تروریستی منافقین که مورد حمایت مستقیم آمریکا است، برانگیخت. شیخ محمد غزالی روشنفکر مبارز مصری در پیامی به دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران در مصر، انزجار خود را از اقدام وحشیانه منافقین اعلام داشت. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در حالی که اخبار مربوط به فاجعه انفجار در حرم مطهر امام رضا علیه السلام را مطالعه می‌کردم، غم سراسر وجودم را فراگرفت. فاجعه‌ای که موجب از بین رفتن راکمان و ساجدانی شد که برای نماز به آن عبادتگاه رفته بودند، اما مرگ را در انتظار خویش دیدند.

چندین منکر در آن واحد در این ارتکاب جرم گرد هم آمدند و کارهای خود را با رذالت و پستی در یک مکان مقدس به انجام رساندند. کشتار مؤمنین، بلا و آفتی بزرگ است و کشتار ایشان

۱. روزنامه رسالت، ۳/۴/۱۳۷۰، ص ۱۲.

در حالی که برابر خدا صف کشیده‌اند، بلا و آفتی بزرگتر، محال است که در قلوب این قاتلان ذره‌ای ایمان وجود داشته باشد. عاشقان مسجد در این دوره، یادگاران خیر در دنیایی هستند که بسیاری، هواهای نفسانی را می‌پرستند و خدا را فراموش کرده، بلکه منکر دیدار قیامت و اویند، در این مصیبت، گشته شدگان آن شهدایی هستند که خدای خود را در حالی دیدار کردند که مغفرت و رضایت او را به دست آورده بودند.

این جنایت که در ایران روی داد، مرا به یاد ویران شدن مسجد بآبری توسط بت‌پرستان در هند انداخت که موجب از بین رفتن مؤمنانی شد که در برابر این فتنه تا آخرین رمق مقاومت کردند؛ تا آن که ارواح طیبه خود را تسلیم خدای خود کردند. بله قبل از آن که بت‌پرستان بتوانند خانه او را ویران کنند، مسجد تبدیل به یک ویرانه شد و چه بسیار مساجدی که تا کنون توسط کفار خراب شده است و چه بسیار شهدایی که در اثر تجاوز به مساجد از میان رفته‌اند.

از من پرسیدند چه کسی در پس این جنایت قرار دارد؟ تردید ندارم که توطئه‌گران دارای هیچ دینی نیستند. استعمار جهانی موفق شد تا گروهی از مردم را که نه به خدا اعتقاد دارند و نه به قیامت، به وجود آورد و آن‌ها را در جاهای مختلف قرار دهد، تا هر از چندی مرتکب یک منکر شوند. غیظ و خشم مؤمنان را برانگیزند و حزن و اندود را در قلوب ایشان جای دهند. من از مسلمانان ایران می‌خواهم که صبر پیشه کنند و هشیار و بیدار باشند و همچنین از تمامی مسلمانان می‌خواهم که مغفوف خود را مستحکم کرده و جبهه خود را متحد سازند؛ چرا که انتظار

ندارم حيله و نيرنگ قدرتهای بزرگ عليه ایشان به زودی پایان
یابد؛ دولتهایی که در اعلام ناراحتی و خشم خود از اسلام
کوتاهی نکرده‌اند.

سلمان رشدی را می‌بینم که پس از ارتداد قبیح خود، در
کشورهای اروپایی و آمریکایی در رفت و آمد است تا مورد تقدیر
و تکریم قرار گیرد؛ بدون آن که موجب حیا و شرم هیچ یک از
اعرابی شود که با غرب همکاری می‌کنند. تا جایی که ما
اختلافات قرون اولیه را نشخوار می‌کنیم و برخی از ما به دروغ،
سوگند یاد می‌کنند که شیعه قرآنی دیگر به جز قرآن ما دارند. به
این تهمت پراکنان گفتم از ابتدای تاریخ اسلام تا حال که قرن
پانزدهم است، کره زمین به جز همین قرآن را در بین هیچ یک
از فرقه‌های اسلامی به خود ندیده است. پس به مصلحت چه
کسی تبلیغ می‌کنی که شیعه قرآن دیگری به جز قرآن ما دارند؟
ما می‌خواهیم همه را گرد هم آوریم و اشتباهات سیاسی و
نظامی که ما را در معرض تهدید قرار داده است را اصلاح کنیم.
پس آیا اینک تقوای خدا، پیشه کرده‌اید؟

فرانسویها از تبدیل بزرگترین مسجد در الجزایر به کلیسا و
کشتن هزاران نماز گزار در داخل آن شرم نکردند و همچنان
استعمار جهانی در کمین ما نشسته است. پس چرا تلاش
می‌کنید که این امت را پیش روی او تکه تکه کنید و مقاومت او
را در برابر استعمار مورد اهانت قرار دهید؟^(۱)

فصل پنجم

سفرهای غزالی

در فلسطین

غزالی مدتی از عمر خود را در کنار ملت مظلوم فلسطین به سر برد و در این مدت با آلام و دردهای این ملت، آشنا شد. وی درباره این سفر می‌گوید: «هنگامی که در سال ۱۳۶۹ ه.ق، از زندان آزاد شدم، شیخ مأمون شناوی (۱۸۸۵ - ۱۹۵۰ م.)^(۱) که در آن زمان شیخ الازهر بود، مرا به عنوان نماینده خود به غزه فرستاد و من سه سال در آن جا ماندم. در آن جا زندگی و رنج

۱. شیخ مأمون شناوی در سال ۱۸۸۵ م. در کشور مصر دیده به جهان گشود. وی در سن ۱۳ سالگی موفق به حفظ قرآن گردید و پس از گذراندن دوران مقدماتی در زادگاهش، به قاهره سفر کرد و نزد برادر بزرگش شیخ سید شناری که سابقاً درازی در دانشگاه الازهر بود، مشغول تحصیل در آن دانشگاه گردید از مهمترین اساتید وی می‌توان به محمد عبده و شیخ ابوالفضل جیزاوی اشاره کرد.

شناوی ابتدا به عنوان استاد در دانشکده الازهر در اسکندریه منصوب شد. در سال ۱۹۱۷ م. به عنوان قاضی شرع و در سال ۱۹۴۸ م / ۱۳۶۷ ه.ق. و پس از فوت شیخ مصطفی عبدالرزاق، به عنوان شیخ الازهر برگزیده شد. وی در سال ۱۳۶۹ ه.ق. در مصر فوت کرد. (الازهر فی ألف عام، ج ۱، ص ۲۹۶).

ملت فلسطین را کاملاً لمس کردم و در این مدت به اردوگاه‌های «بریح»، «نصیرات»، «دیریلج»، «خان یونس» و «رفح» رفتم و غم و اندوه آن‌ها را کاملاً درک کردم.»^(۱)

غزالی در مدتی که در فلسطین سکونت داشت، به اهداف صهیونیسم و نقشه‌های آنان برای به انزوا کشیدن مسلمانان پی برد. وی در این مدت فهمید که یکی از فعالیت‌های اسرائیل این است که نوجوانان یهودی را ضد مسلمان تربیت کند. وی در این باره می‌گوید:

یهودیان برای حفظ موجودیت خود، دست به خیلی کارها می‌زنند؛ مثلاً یک یهودی یک مجسمه می‌سازد و به آن لباس عربی می‌پوشاند و به پسر خود دستور می‌دهد که بر روی آن تیراندازی کند تا ترس و هراس یا حس احترام برای چنین اشخاصی در او از بین برود. زنان یهودی با تمام وجود به اسرائیل خدمت می‌کنند؛ مثلاً زمانی که انگلیس، رفتن یهودیان به اسرائیل را محدود کرده بود، آن‌ها حیل به کار می‌بردند و اگر می‌گفتند بیست هزار یهودی می‌توانند به اسرائیل بروند، زنان یهودی سعی می‌کردند حامله باشند تا اگر به

۱. اطلاعات، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۹، ص ۱۱۲ به نقل از سنن الاسلام، فوریه ۱۹۹۰ م، ش ۷.

اسرائیل رفتند و بچه به دنیا آمد، تعداد بیشتر شود!

آن‌ها چنین کارهایی کرده‌اند و می‌کنند.^(۱)

صهیونیسم از منظر غزالی

کشور اسرائیل در ۱۳۶۸ ه. ق.^(۲) با حمایت مستقیم انگلیس و آمریکا پا به عرصه وجود نهاد. از بدو تشکیل این کشور غاصب، روشنفکران مبارز اسلامی مخالفت خود را با این اقدام ابراز کردند و ضمن هشدار به جهان اسلام، معتقد بودند که اسرائیل به سرزمین فلسطین بسنده نخواهد کرد؛ بلکه هدف دراز مدت او ساختن کشوری پهناور از نیل تا فرات است. غزالی ضمن هشدار به مسلمانان می‌گوید: «طرح‌های آینده آن‌ها که می‌خواهند به اجرا بگذارند اسرائیل را در کرانه باختری و خاوری و غزه یا التخلیل محدود نمی‌کند. مسأله خیلی بزرگتر از این است. مسأله از نیل تا فرات است. این نقشه روی دیوار کنشت اسرائیل نصب شده و قبل از آن بر دیوارهای عهد عتیق نوشته شده است: از دریای کبیر به رودخانه کبیر.»^(۳)

از نگاه غزالی، هدف یهود و اسرائیل از بین بردن اسلام است. او در این باره می‌گوید: «سیاست امروز اسرائیل این است که شما اسلام را کنار بگذارید و زیر پرچم لامذهبی راه بروید.

۱. اطلاعات، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۹، ص ۱۴.

۲. ۱۴ / مه / ۱۹۴۸ م.

۳. روزنامه اطلاعات، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۹.

حال اگر ما دین را کنار گذاشتیم و دیگران کنار نگذاشتند بلکه در زیر بیرق آن راه رفتند نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این کار در اوایل قرن بیست و یکم و نیمه‌های قرن پانزده هجری عیان خواهد شد. در آن وقت مصری‌ها و عراقی‌ها پناهنده خواهند بود و دمشق در درون کشور اسرائیل بزرگ قرار خواهد گرفت.^(۱) غزالی نقشه‌ها و توطئه‌های اسرائیل را منحصر در کشورهای اسلامی نمی‌داند و معتقد است که توطئه‌های یهود تمام جهان را تهدید می‌کند. از نگاه وی، توطئه‌های صهیونیست‌ها در جهان عبارتند از:

۱. شعله افروزی آتش جنگ بین مسلمین مخصوصاً جنگ اقتصادی که هر دو طرف ضربه بخورند.
۲. سیطره بر ثروت عالم به وسیلهٔ نشریات داخلی.
۳. تهاجم فرهنگی تا به این وسیله قلب‌ها را از ایمان و عقیده خالی کند و در زمین عقیده‌ای جز یهود، باقی نماند.
۴. نفوذ تفکر صهیونیسم در بالاترین ارکان حکومت‌های اروپایی و اسلامی.^(۲)

بدون تردید، آمریکا در تأسیس اسرائیل نقش مهمی ایفا کرده و پس از استقرار این رژیم در خاورمیانه، در همهٔ بحران‌ها به یاری آن شتافته است. بسیاری از کارشناسان

۱. همان.

۲. الاستعمار أحفاد و أطماع، ص ۳۲۲.

مسائل سیاسی معتقدند که اگر آمریکا از اسرائیل حمایت نکند، این رژیم یک روز هم نمی‌تواند در برابر مسلمانان مقاومت کند. غزالی نظام آمریکا را شریک جرم اسرائیل می‌داند و در این باره می‌گوید: «فلسطین به خصوص و ملت عرب بدانند که آمریکا در کنار انگلیس، در این جنایت انسانی که تاریخ مثل آن را ندیده است، شریک است.»^(۱)

برخی از روشنفکران، مسأله فلسطین را از منظر ملی‌گرایی می‌نگرند؛ یعنی آزادسازی سرزمین غصب‌شده؛ ولی به اعتقاد غزالی، نبرد فلسطینیان با یهودیان نبردی اسلامی است:

وابستگی اسلامی سنگ بنای جهاد فلسطین است. نبرد فلسطین از آغاز هم یک نبرد دینی بود و باید دینی باقی بماند. دشمنان ما احساسات دینی و خاطره‌های مذهبی خود را یادآوری می‌کنند؛ اما در مقابل می‌بینیم که بسیاری از اعراب از اسلام دور می‌شوند یا نام آن را نمی‌پسندند و نمی‌پذیرند که زیر لوای اسلام گام بردارند و این سرشکستگی برای آن‌ها هم در دنیا و هم در آخرت است. این منطق یهودیان در نبرد ازلی با ماست. آن‌ها می‌خواهند هویت ما را نابود کنند و دین ما را از بین ببرند.^(۲)

۱. همان، ص ۳۸۶.

۲. رونامه اطلاعات، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۹، ص ۱۱۲ به نقل از مجله منیر

غزالی ضمن انتقاد از کسانی که مسأله فلسطین را از منظر غیر دینی می‌بینند، می‌گوید: «مسأله این قوم (یهود) یک مسأله سیاسی است که سرچشمه‌ای دینی دارد لذا هر کس بخواهد اسلام را از این مسئله دینی که نبرد فلسطین باشد، دور کند، یک خیانت بزرگ انجام داده است و حتی می‌توانم بگویم که با استعمار جهانی و صلیبیون و دشمنان دین ما پیمان بسته است.»^(۱)

وضعیت الجزایر

کشور الجزایر در شمال غربی آفریقا قرار دارد و از شمال به دریای مدیترانه، از شرق به تونس و لیبی، از جنوب به مالی و نیجر و از غرب به مراکش و موریتانی محدود شده است. پایتخت الجزایر شهر الجزیره است که بیش از دو میلیون نفر جمعیت دارد و اکثریت قریب به اتفاق آنها مسلمان هستند.^(۲)

سرزمین کنونی الجزایر حدود سه هزار سال قبل از میلاد، محل سکونت اجداد قوم بربر بود. ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد، فینقی‌ها سواحل شمالی آن را به مرکز مهم تجاری

الاسلام، فوریه ۱۹۹۰ م، ش ۷.

۱. عمان.

۲. فرهنگ جامع سیاسی، ص ۱۷۴.

تبدیل کردند. دویست سال قبل از میلاد، رومیان بر این سرزمین مسلط شدند و تا قرن هفتم میلادی بر آن حکمفرمایی می‌کردند. الجزایر در این قرن، به تصرف مسلمانان درآمد و مردم این منطقه به اسلام گرویدند. در سال ۱۵۰۰ م. با تشکیل دولت‌های استعماری، این کشور اسلامی به تصرف اسپانیا درآمد. ولی تسلط اسپانیاییها زیاد دوام نیافت و در اوائل قرن شانزدهم میلادی به قلمرو عثمانی پیوست.

در سال ۱۲۵۶ ه. ق.^(۱) دولت استعماری فرانسه بر الجزایر مسلط شد. اما پس از مدتی با مقاومت مردم روبه‌رو گردید و برای حفظ حاکمیت خود، به مقابله با آنها برخاست؛ در نتیجه، یک میلیون مسلمان الجزایری به قتل رسیدند. پس از درهم شکستن مقاومت مردمی، زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی این کشور اسلامی شناخته شد و با هدف فرهنگ سازی غربی، یک میلیون فرانسوی به این کشور هجرت کردند.

جبهه آزادی بخش الجزایر از ۱۳۷۴ ه. ق.^(۲) وارد جنگ‌های چریکی و عملیات شهادت طلبانه علیه نیروهای فرانسوی شد. با تلاش و همت جبهه آزادی بخش الجزایر و

حمایت مردم، فرانسه در سال ۱۳۸۲ ه.ق.^(۱) استقلال الجزایر را به رسمیت شناخت و سربازان فرانسوی خاک الجزایر را ترک کردند.^(۲)

سفر غزالی به الجزایر

غزالی پس از بروز اختلاف بین او و دولت انورسادات، به عربستان و پس از مدتی به قطر هجرت کرد و در آن جا مشغول تألیف و تدریس در دانشگاه وابسته به الازهر گردید. با توجه به اوضاع حساس الجزایر و حضور بیگانگان در آن کشور، رئیس دانشگاه قطر «دکتر شاذلی بن جدید» از غزالی درخواست کرد به الجزایر برود و در آن جا به تبلیغ و روشنگری بپردازد. شاذلی در این باره به غزالی گفت: «حرکت اسلامی که در الجزایر شروع شده است، احتیاج به حمایت و روشنگری دارد و من می‌دانم که تو در قطر هم فعالیت‌های زیادی داری ولی الجزایر به اسلام ناب احتیاج دارد. دوست دارم به آنجا بروی و دانشگاهی اسلامی شبیه الازهر مصر تأسیس کنی.»^(۳)

غزالی پس از پنج سال فعالیت علمی و تبلیغی در کشور قطر، به الجزایر هجرت کرد تا در آن جا ندای اسلام خواهی را طنین انداز کند. هنگامی که غزالی قدم به الجزایر نهاد، فتنه‌ها موج می‌زد؛ دین اسلام در میان توده‌ها رو به

۱. ۱۹۶۲ م.

۲. فرهنگ جامع سیاسی، ص ۱۷۶.

۳. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۹۲.

خاموشی نهاده بود. زبان مادری مردم (عربی) رسمیت نداشت و زبان فرانسوی به عنوان زبان رسمی جایگزین آن شده بود. به طور کلی، مظاهر فرهنگ اروپایی به شدت رواج داشت.

غزالی در این شرایط، دانشگاه امیر عبدالقادر را تأسیس کرد و خودش به عنوان رئیس شورای علمی آن دانشگاه به تدریس و روشنگری دانشجویان مشغول شد.^(۱)

درس‌های تفسیر موضوعی قرآن که توسط غزالی از تلویزیون الجزایر پخش می‌گردید، بقدری بیننده داشت که به گفته مسؤولان خبری الجزایر، در شمار برنامه‌هایی تلقی می‌شد که از رهگذران کوچه و خیابان در ساعت پخش به شدت می‌کاست. کتاب‌های او در فاصله اندکی پس از انتشار نایاب می‌شد. بی‌گمان خیزشی که سالها بعد در نسل جوان الجزایر صورت گرفت، بی‌تأثیر از ارشادات غزالی نبوده است. وی در مدتی که در الجزایر مشغول بود توانست خدمات شایانی به اسلام و مسلمین انجام دهد. لذا قبل از بازگشت به مصر، نشان «لیاقت» را به عنوان بزرگترین نشان کشور الجزایر دریافت کرد.^(۲)

در ایران

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجی از اسلام خواهی

۱. همان، ص ۱۹۳.

۲. آیینة پژوهش، شماره ۳۷، ص ۱۰۲.

در میان کشورهای اسلامی به وجود آورد. ایران توانست حکومت اسلامی را به عنوان الگویی مناسب به جهان اسلام صادر کند. در نتیجه، روشنفکران کشورهای اسلامی همواره به ایران ابراز علاقه می‌کنند و آن را مایه امید کشورهای دیگر می‌دانند.

هنگامی که خبرنگار ماهنامه «نامه فرهنگ»، درباره اندیشه انقلاب اسلامی ایران از غزالی سؤال کرد، وی در جواب گفت: «موج اسلام خواهی که هم اینک وجود دارد و آغازگر آن در جهان تسنن حسن البنا بود، فشار و مقاومت سیاسی علیه آن به شدت ادامه داشته و دارد. از قضا شما توفیق رفیق راهنان گردید و پیروز شدید و ثمره پیروزی شما بنیان گذاری یک کشور اسلامی است: اصولی که بدانها ایمان داشته‌ایم و باعث همدردی و همفکری من با انقلاب می‌گردد.»^(۱)

علاقه وافر غزالی به ایران باعث شد که وی در سال ۱۳۶۴ ه. ش. به دعوت آیت الله جنتی (دام عزه العالی) برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی سفری به ایران داشته باشد.^(۲) غزالی در این کنفرانس، مقاله‌ای با عنوان «رسالت بهترین امت» قرائت کرد و در خلال آن، طرح کلی

۱. نامه فرهنگ، سال اول، شماره ۲، ص ۲۵.

۲. آینه پژوهش، شماره ۳۷، ص ۱۰۲.

اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه خود را ارائه کرد. به قسمتی از این مقاله توجه بفرمایید:

حکومتی که امانتدار رسالت الهی است، وظایف بسیار سنگینی در قبال امت اسلام و نسل‌های آینده عهده دار می‌باشد. به برخی از این وظایف و مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. اولین وظیفه دولت اسلامی این است که تجلیگاه خیر و صلاح برای سایر امت‌ها باشد؛ به نحوی که در کلیه آداب، رسوم، روابط، معاملات، صنایع، فنون، شهرها و روستاهایش نمودار باشد. و با تبلیغ عملی، اذهان ملت‌های دیگر جهان را نسبت به حقیقت اسلام روشن نماید.

۲. احیاء علوم دینی و در کنار آن روشنگری طلاب نسبت به واقعیت‌های مهم اجتماعی و مسائل حقوقی و قضایی.

۳. زدودن اختلاف و دشمنی میان فقها و عرفا از طریق پاکسازی عرفان از بدعت‌ها و خرافاتی که به آن نسبت داده شده است و انطباق آن بر کتاب خدا و سنت.

۴. تفهیم این مطلب به گروه فقها و فلاسفه که تنها با عقل نمی‌توان به کمال نایل شد؛ چه بسیار

عقل‌هایی که دچار نفاق و شقاوت هستند.
۵. اکثر مسلمانان محتاج کسب تخصص‌های علمی
برای اداره‌نشئون جوامع خود هستند و چون
متأسفانه این علوم و فنون در اختیار غیر مسلمانان
است، مسلمین نیازمند اجانب بوده از قدرت و
استقلال آنان کاسته می‌شود.^(۱)

۱. «حکومت در اسلام»، مقالات سومین و چهارمین کنفرانس بین‌المللی
اسلامی، ص ۳۶۰.

فصل ششم

وحدت از
منظر غزالی

به حق می‌توان گفت شیخ محمد غزالی یکی از پرچم‌داران وحدت اسلامی در سده اخیر است. غزالی معتقد است که اسلام دین وحدت است و در اوایل ظهور توانست بین تمام قبایل عرب و عجم اتحاد برقرار کند و هفتاد سال بزرگترین تمدن انسانی و اسلامی را بنا نهاد؛ ولی متأسفانه پس از آن، تخم تفرقه پاشیده شد و جمعیت‌ها متفرق گشتند.^(۱)

بنابراین، غزالی اعتقادی به مرزهای جغرافیایی ندارد و بسیار فراتر از آن فکر می‌کند. از منظر غزالی هر جا مسلمانی زندگی می‌کند، آن جا کشور بزرگ اسلامی است. وی در این باره می‌گوید: «وطن کوچک ما سرزمین نیل است که مورد توجه ماست؛ ولی وطن بزرگتر ما سرزمینی است که عرب آن را در اختیار دارد و مورد علاقه ماست؛ اما وطن عالی ما منطقه‌ای است که همه مسلمانان را طبق یک اصول و فکر و عقل با یکدیگر مربوط ساخته و قلبهایشان با یکدیگر رابطه دارد.»^(۲)

۱. طمعکاران کینه ور یا نقشه‌های استعماری، ص ۲۷.

۲. اسلام و بلاهای نوین، ص ۲۱۰.

به عقیده غزالی، وحدت عربی منتهای اسلام هیچ توفیقی نخواهد داشت. وی ضمن انتقاد شدید از ناسیونالیسم عربی می‌گوید: «اگر وحدت اعراب و دعوت به ناسیونالیسم عربی به شیوه حزب بعث عربی باشد، امیدوارم خداوند این اتحاد را موفق نگرداند و زمینه‌های آن را نیز فراهم ننماید. عرب منتهای اسلام مساوی است با صفر؛ و چنانچه اسلامی در کار نباشد، این اتحاد هیچ ارزشی ندارد. ما هم نیازی به آن نخواهیم داشت.»^(۱)

یکی از نکات تأسف آور دنیای اسلام تفرقه است؛ در حالی که استکبار و حامیان زور و زر با اتحاد و یکپارچگی، منافع کشورهای مسلمان را تاراج می‌کنند. مسلمانان به علت اختلافات داخلی، در ساختن کشور واحد اسلامی ناتوانند. اروپای مسیحی پول واحد و اقتصاد واحد ایجاد می‌کند؛ ولی با کمال تأسف، برخی از سران کشورهای اسلامی برای انتقام از کشور اسلامی دیگر با آمریکا و اسرائیل همکاری می‌کنند. این موضوع فقط در عصر ما نبوده است بلکه موضوعی است که امام علی علیه السلام نیز از آن رنج برد و هنگامی که از سستی یاران خود در مقابل تهاجم دشمن آگاه شد، فرمود: «به من خبر رسیده که «بُسر بن اِرطاة» بر یمن تسلط یافته. سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۷/۹.

شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آن‌ها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید! شما امام خود را در حق، نافرمانی می‌کنید و آن‌ها امام خود را در باطل فرمانبردارند! آن‌ها نسبت به رهبر خود امانتدار، و شما خیانتکارید.»^(۱)

غزالی، روشنفکر مصری، ضمن انتقاد از تفرقه موجود بین مسلمانان و اتحاد کفار می‌نویسد:

فرقه‌های مختلف و متخاصم مسیحی، جنگ‌های دینی را که در خلال قرون وسطی میان ایشان شعله ور بود، به دست فراموشی سپردند و اختلافات مهمی را که گاهی تا عمق عقایدشان نفوذ می‌کرد و ایشان را از نظر اصول عقیده از هم جدا می‌ساخت، یکباره به دور افکندند و مقرر داشتند که در برابر مسلمین به صفی واحد درآیند و جبهه‌ای نیرومند تشکیل دهند؛ ولی مسلمین بر سر امور واهی همچنان دستخوش خصومت و اختلاف مانده‌اند و جامعه‌ای که می‌باید ایشان را از تفرقه باز دارد هنوز به صورت آرزویی باقی مانده و نور صفا و محبتی که سزاوار است راه را در برابرشان روشن سازد هنوز پرتوی فرا راه ایشان نیفشانده است.^(۲)

۱. نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۵، ص: ۷۳.

۲. محاکمه اگناس گلدریهر صهیونیست، ص: ۳۰۸.

عوامل تفرقه

۱. عدم آگاهی

یکی از عوامل تفرقه در میان فرقه‌های اسلامی، عدم آگاهی از عقاید و رفتار و اخلاق طرف مقابل است. عدم آگاهی موجب قضاوت بی‌جا می‌شود.

هنگامی که علامه شیخ محمود شلتوت، شیخ الازهر، جواز پیروی از مذهب اهل بیت را صادر کرد، برخی از متحجرین به علت عدم آگاهی، به این اقدام اعتراض کردند. غزالی در این باره می‌گوید:

بیاد دارم که روزی یکی از عوام با خشم و خروش از من پرسید «چگونه شیخ ازهر فتوی داده است که تشیع مذهبی اسلامی و مانند سایر مذاهب است؟» من در جواب گفتم «تو از شیعه اطلاع داری؟ و از تشیع چه می‌دانی؟» او اندکی سکوت کرد و آن‌گاه گفت «ایشان گروهی از پیروان دینی غیر از دین ما هستند.» گفتم «ولی من دیده‌ام که ایشان درست به مانند ما نماز می‌گزارند و روزه می‌گیرند.» مرد با تعجب گفت «چگونه چنین چیزی ممکن است؟» گفتم «عجیب‌تر این که ایشان درست مانند ما قرآن می‌خوانند و پیامبر خدا را بزرگ می‌دارند و فریضه حج را به جا می‌آورند.» گفتم «شنیده‌ام که

آن‌ها قرآنی دیگر دارند و با این اندیشه آهنگ کعبه می‌کنند که آن را مورد توهین قرار دهند!» در این هنگام از سر تأثر و ترحم در او نگریستم و گفتم «تو معذوری زیرا بعضی از ما چیزهایی درباره بعضی دیگر می‌گوئیم که منظوری جز هتک حرمت ایشان نداریم.»^(۱)

۲. نویسندگان معرض

بی شک آثار مکتوب، تأثیر مهمی بر فرهنگ‌سازی مسلمانان دارد. اگر نویسنده‌ای نفاق و پراکنندگی را در آثارش رواج دهد، جامعه نیز به همین سو پیش می‌رود. غزالی ضمن انتقاد از این نوع نویسندگان می‌گوید: «آن نویسندگانی که توجهی به اتحاد مسلمانان ندارند و یا مطالبشان کینه و اختلافات را تحریک می‌نماید، جرم بزرگی مرتکب می‌شوند.»^(۲)

۳. یادآوری اختلافات گذشته

یکی از عوامل تفرقه بین مسلمانان، دامن زدن به اختلافات گذشته و بزرگنمایی آن است. خلافت در صدر اسلام، موضوع اصلی اختلاف بین مسلمانان گردید و هنوز هم ادامه دارد. غزالی در این باره می‌گوید: «ما به طور ریشه‌ای

۱. همان، ص ۲۹۹.

۲. اسلام و بلاهای نوین، ص ۱۸۷.

عقب مانده‌ایم. اسلام چکار باید بکند؟ وضع مسلمانان تأسف بار است. آن‌ها تاریخ گذشته را به رخ هم می‌کشند. اختلاف بین ابوبکر و عمر، بین ابوبکر و علی، از نقطه نظر تاریخی، این موضوع دیگر پایان یافته تلقی می‌شود. من فرزند امروز هستم. یاد آوری این مسائل چه مشکلی را حل می‌کند جز آن که آتش اختلاف بین نوادگان را دامن می‌زند؛ همان طور که بین اجداد ما بود. چه به دست آوردیم؟ هیچ!»^(۱)

عوامل وحدت

از دیدگاه غزالی راه برطرف شدن اختلافات و رسیدن به وحدت، پیشرفت فرهنگی و علمی در میان جوامع مسلمانان است. وی در این باره می‌نویسد: «وسعت اطلاعات و ترقی و افزایش علمی، اطلاع از بزرگترین حقایق زندگی و مذاهب فلاسفه و علما، اولین راه برطرف شدن اختلافات است.»^(۲)

۱. عالمان دینی

به عقیده غزالی یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری وحدت میان توده‌های مسلمان، نقش عالمان دینی در کلیه فرقه‌های اسلامی است. این نکته بدیهی است که اگر عالمان در سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و نوشتارهای خود به موضوع

۱. رسالت، ۳/۴/۱۳۷۰، ص ۱۲.

۲. اسلام و بلاهای نرین، ص ۱۹۷.

وحدت توجه کنند، جامعه اسلامی نیز به سوی وحدت پیش خواهد رفت. غزالی در این زمینه می‌گوید: «خدا پادشاه ایران، نادر شاه را در برابر کوششی که در راه وحدت کلمه و جمع امت مبذول داشت، جزای خیر دهد؛ ولی در عصر ما ایفای نقش تقریب - پیش از آن که بر عهده پادشاهان باشد - بر عهده علماست.^(۱)»

۲. مسؤولین

غزالی ضمن تبیین این نکته که یکی از مهمترین عوامل اختلاف، حکام فاسدی هستند که در کشورهای اسلامی حکومت داشته‌اند، سیاستمداران را به تغییر جهت از اختلاف به وحدت فرا می‌خواند: «صحیح است که اختلافات تحت تأثیر عوامل سیاسی به وجود آمده است و مظالم پادشاهان و مظالم حکام آن را گسترش داده است. از این رو سیاستمداران مسؤولیت دارند تا فساد را که اسلافشان به وجود آورده‌اند اصلاح کنند.»

وظیفه مسلمانان در قبال وحدت

غزالی ضمن حساس خواندن شرایط جهان اسلام و توطئه‌های استکبار جهانی، وظیفه مسلمانان را بسیار سنگین می‌داند:

۱. محاکمه اگناس گلدریهر صهیونیست، ص ۳۰۰.

وظیفهٔ مسلمین در این شرایط حساس و اوضاع خطرناک این است که از پراکندگی و اختلاف باز آیند و در برابر حمله‌های صلیبی جدید صفی واحد و جبهه‌ای متشکل و نیرومند به وجود آورند و در این مبارزهٔ سرنوشت ساز که تقدیر برایشان مقرر داشته، در سنگر استوار دین خود ثابت قدم بمانند و توجه داشته باشند که برای ایشان مایهٔ ننگ است که هنگام تجمع قوای شر و اتحاد دشمنان در هجوم همگانی بر ایشان، پراکنده و بی سامان باشند یا در میدان مسابقهٔ ترقی و تقدم واپس بمانند یا از تمسک به دین خود سستی کنند؛ در شرایطی که پیروان مذاهب باطل به عقاید خود پای بندند.^(۱)

روزی به اطلاع غزالی رساندند که در یکی از مساجد، اختلاف و درگیری پدید آمده و نزدیک است به زد و خورد بینجامد. چون در میان نمازگزاران بحث شده که آیا در پایان اذان شرعی می‌توان درود و سلام بر پیامبر اکرم افزود، و یا هرگونه اضافه، بدعت به شمار می‌آید؟ غزالی طرفین درگیر را به اجتماع فراخواند و ضمن القای خطابه‌ای بلیغ، آنان را به دوری از تفرقه فراخواند: «من حذف و الغای اذان را در این

مسجد بر پدید آمدن اختلاف و درگیری میان شما ترجیح می‌دهم. اذان مستحب است ولی وحدت، همبستگی و اخوت اسلامی، فریضه و واجب می‌باشد.»^(۱)

اصول وحدت

حسن البناء متفکر و مجاهد بزرگ مصر برای وحدت هر چه بیشتر جامعه اسلامی، بیست اصل وضع نمود. غزالی ضمن تشریح این اصول در کتاب «دستور الوحدة الشافیة بین المسلمین» چند اصل دیگر به آن افزود که برخی از آنها عبارتند از:

۱. زنان نیمی از مردانند و دانش آموزی، امر به معروف و نهی از منکر بر هر دو گروه واجب است. زنان - با حفظ شئون اسلامی - می‌توانند در بنا و حمایت از جامعه اسلامی مشارکت داشته باشند.

۲. خانواده اساس موجودیت اخلاقی جامعه اسلامی است و دامن طبیعی برای تربیت نسل‌های آینده است. بر پدران و مادران واجب است که در خانواده فضای آرام برقرار کنند. مرد، رئیس خانواده است و مسئولیت اداره خانواده - بر اساس احکام اسلام - بر عهده اوست.

۳. بر اساس این که خداوند انسان را گرامی داشته، انسان دارای حقوق مادی و معنوی است. اسلام این حقوق را بیان

۱. فصلنامه میقات حج، ش ۲۳، ص ۲۰۵.

کرده و همگان را به رعایت آنها دعوت کرده است.

۴. حاکمان - پادشاه یا رئیس جمهور - کارگزار و حقوق بگیر امتند و باید مصالح مادی و معنوی آنان را مَدْ نظر داشته باشند. وجود آنها در منصب ریاست تا زمانی است که طبق مصالح امت رفتار کنند.

۵. شوری اساس حکومت است و هر ملتی باید شیوه تحقق شورایش را انتخاب کند. بهترین شیوه آن است که حکومت برای رضای خدا و از ریا، تفاخر، نیرنگ و دنیا پرستی برکنار باشد.

۶. مالکیت خصوصی - در محدوده شرع و اسلام - مورد احترام است و امت پیکر واحدی است که هیچ عضوی از آن نباید راكد و بیهوده بماند. هیچ طایفه‌ای نباید تحقیر شود. برادری عمومی تنها قانونی است که نظم اجتماعی را برقرار کند و امور مادی و معنوی ملت با آن هماهنگ باشد.

۷. خانواده بزرگ دولتهای اسلامی در برابر تبلیغ اسلامی مسؤولیت دارند و بر آنها لازم است بدعتها را از دین بزایند و از همه امت در همه جا حمایت کنند...

فصل هفتم

اندیشه‌های
غزالی

اندیشه‌های سیاسی

انقلاب صنعتی غرب و پیشرفتهای سریع اقتصادی باعث بروز تفکر جدایی دین از سیاست گردید و دین به امری شخصی و درونی محدود شد. در نتیجه، لاپالی‌گری و آزادی جنسی در کشورهای غربی رواج یافت. همزمان با این اوضاع در اروپا، در میان روشنفکران کشورهای اسلامی دو دیدگاه دربارهٔ غرب پدید آمد:

۱. غربزدگی؛ طرفداران این مکتب معتقدند که برای پیشرفت جوامع اسلامی و جبران عقب‌ماندگی آنها، راهی جز غربی شدن وجود ندارد. مسلمانان باید در زمینه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی، قانونگذاری، نظامی و غیره از غرب پیروی کنند.
۲. غرب ستیزی؛ طرفداران این اندیشه می‌گویند علت عقب‌ماندگی مسلمانان بی‌توجهی به علم و دانش است و راه جبران عقب‌ماندگی، توجه به علم، دانش و فن‌آوری است و در این زمینه‌ها مانعی برای استفاده از غرب وجود ندارد؛ ولی

از نظر فرهنگی به هیچ عنوان نباید از فرهنگ غرب تقلید کرد.

غزالی از دو منظر به غرب می‌نگرد. پیشرفت علمی و فساد اخلاقی را با هم در آنجا مشاهده می‌کند. او تقلید از غرب در پیشرفت‌های علمی و صنعتی را جایز بلکه لازم می‌داند؛ ولی تقلید از فرهنگ غرب را مردود می‌شمارد. وی ضمن انتقاد از غربزدگان، در این باره می‌گوید: «مردانی که با غرب مرتبط شدند ولی حقیقت غرب را درک نکردند، نتوانستند آن را درست معرفی کنند؛ آنان مسؤول عقب‌ماندگی مسلمانان اند. تمدن جدید پوست و مغز دارد، کار و خوش‌گذرانی دارد، مطالب جدی و شوخی دارد و این عده پوست تمدن جدید را گرفتند ولی علم و کار آن را نیاموختند.»^(۱) و در جای دیگری می‌گوید «غرب از جهت فکر و روح از ناپاکترین ملت‌های روی زمین است.»^(۲)

تهاجم فرهنگی

پس از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و پیشرفت آن در زمینه‌های نظامی، فن آوری، اقتصادی و غیره، برخی کشورهای اروپایی به کشورهای شرقی و اسلامی لشکرکشی کردند و به غارت اموال آنان پرداختند. هجوم فرانسه به الجزایر و سودان، و هجوم انگلیس به مصر و هند نمونه‌های

۱. اسلام و بلاهای نوین، ص ۲۳۴.

۲. همان، ص ۲۸.

این غارتگری تاریخی است. آن‌ها پس از مدتی که با مقاومت سرسختانه مردم رو به رو شدند، به این نتیجه رسیدند که تهاجم نظامی موفقیتی در پی ندارد؛ لذا راه تهاجم فرهنگی را علیه مسلمانان برگزیدند.

غزالی که هم‌کشورش به اشغال نظامی انگلیس درآمده و هم متوجه تهاجم فرهنگی دشمن شده است، در این باره می‌گوید:

همان طور که می‌دانید اکنون بیش از یک قرن از آغاز مبارزات ضد استعماری ملت ما می‌گذرد؛ استعماری که سرزمین ما را اشغال و ثروتهای ملت ما را غارت نمود. اما زمانی که آباء و اجداد ما و سپس ماها توانستیم استعمار نظامی را شکست دهیم، ناگهان متوجه شدیم که استعمار نظامی شیوه‌های دیگری از استعمار را بر جای گذاشته است: از جمله استعمار فرهنگی و استعمار حقوقی، به طوری که هویت ما را دگرگون ساخت و ما را از میراث خود بیگانه کرد. از این رو، استقلال و هویت کامل خویش را زمانی باز خواهیم یافت که به میراث اصیل خویش بازگردیم.^(۱)

غزالی به همه مسلمانان سفارش می‌کند جلوی تهاجم فرهنگی دشمن را بگیرند: «ما مسلمانان همان طور که با استعمار نظامی مبارزه کردیم، باید با استعمار فرهنگی، استعمار

حقوقی، استعمار آموزشی و تربیتی نیز مبارزه کنیم تا ایده‌های وارداتی که همراه بیگانگان به ممالک ما راه یافته، رخت بریندد و اسلام به اهل خود باز گردد.»^(۱)

به عقیده غزالی اهداف استعمارگران عبارت انداز:

۱. دلسردی مردم

از مهمترین اهداف استعمار در تمام کشورهای اسلامی، دلسردی مردم از دین مبین اسلام و القای این نکته است که اسلام توانایی جوابگویی به تمام نیازهای زندگی بشر را ندارد. غزالی در این باره می‌گوید: «استعمار غربی - تحت تأثیر روح صلیبی قدیم - کوششی پیگیر به کار می‌برد تا قدرت و نیروی اسلام را فرو کاهد و رشته ارتباط و اتحاد مسلمین را بگسلد و فعالیت آن را کاهش دهد و موانع و مشکلات گوناگون بر سر راه ترقی و تقدم مردم آن سامان پدید آورد و انواع نیرنگ و حيله‌های زیرکانه به کار می‌برد تا پیروان این دین را از پوییدن راه آن منحرف سازد و ایشان را نسبت به آن دلسرد و بی‌علاقه کند.»^(۲)

۲. تربیت نسل بی‌ایمان

یکی از اهداف دشمن در راه تسلط بر منابع عظیم کشورهای اسلامی، تربیت نسلی است که هیچ رابطه‌ای با دین نداشته باشد؛ نسلی که قلبش از ایمان به خدا، جهاد، امر

۱. همان.

۲. محاکمه انگاس گلندزیر صهرنیست، ص ۳۱۵.

به معروف و نهی از منکر تهی باشد. هنگامی که استکبار موفق به این کار شد، به راحتی امکانات و منابع آن نسل را به یغما می‌برد. قضیه اندلس باید برای همه مسلمانان درس عبرت باشد؛ زیرا با ترقند غربی‌ها کشوری اسلامی تبدیل به کشوری مسیحی گردید و مساجدی که قرن‌ها در آن نماز خوانده بودند، تبدیل به کلیسا شد.

غزالی ضمن هشدار به مسلمانان در این باره می‌گوید: «نقشه استعمارگران ایجاد طبقه جدیدی است که قلبش از ایمان خالی باشد و منکرات و فحشاء را رواج دهد تا اسلام را ریشه کن سازد و مردم را از منابع تعلیماتی اسلام منع گردانند. اشتباه است که ما بگوییم هدف‌های استعماری صلیبی در پخش ردائل اخلاقی در اجتماع و در هم ریختگی اجتماعی تمام شده است؛ بلکه هدف در نظر استعمارگران بالاتر از این است.»^(۱)

۳. ترویج بی بند و باری

یکی از اهداف کلان استعمارگران، ترویج فساد اخلاقی و بی بند و باری در میان مسلمانان است تا به این وسیله آنان را از تفکر درباره مسائل مهم جهان و کشورشان بازدارد. غزالی در این باره می‌گوید: «بدون تردید ترویج بی‌دینی و بی‌بند و باری شغل استعمارگران غربی بوده است؛ و از آن روزی که ممالک ما را اشغال کرده‌اند، حمله به ناموس و مقدسات ما یکی

۱. طمعکاران کینه‌ور با نقشه‌های استعماری، ص ۲۴.

از اخلاق‌های آن‌هاست که از آنان جدا نمی‌گردد.»^(۱)

۴. نابودی اسلام

به اعتقاد غزالی هدف نهایی مستکبران جهان از تمام اقداماتی که در کشورهای اسلامی انجام می‌دهند، شکست و نابودی اسلام است. وی در این باره می‌گوید: «مواج خطرناک هر گاه رخته کرد، پایان نمی‌پذیرد؛ و یکی پس از دیگری حمله می‌کند. غرب در زیر پا گذاشتن دستورات اسلام، در قوانین جزایی، مدنی و دولتی، پیروز گردید ولی قوانین زندگانی انفرادی را هنوز میدان تاخت و تاز قرار نداده است. هرگاه این میدان برای او آماده باشد، دیگر تمام قوانین اسلام زیر خاک می‌رود و آن‌گاه باید شعر زیر را خواند:

و یا موت زر ان الحیاة ذمیمة

و بالنفس جدی ان دهرک هازل^(۲)

ای مرگ بپا که زندگی منفور است؛ وای نفس بکوش که زندگانت بیهوده است.

استعمار در دانشگاه و مؤسسات فرهنگی

بدون شک یکی از ارکان مهم هر کشور، دانشگاه آن است. اگر دشمن موفق شود در این نهاد مهم، دانشجویان را آن‌گونه که می‌خواهد تربیت کند، نسل آینده آن کشور را از آن خود کرده است. غزالی ضمن هشدار به همه مسلمانان، درباره

۱. اسلام و بلاهای نرین، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۲۷.

توطئه‌های استعمارگران در دانشگاه‌ها می‌گوید:

از زمانی که شرق اسلامی طعمه استعمار جدید گردیده، غریزندگان تقویت می‌شوند و پیشروی می‌کنند. از همین جهت، درندگی و خونریزی استعمارگر افزایش یافت و پس از نابود کردن حقایق ایمان و مقدسات دین، اصول اخلاق را از قلوب آنان ریشه کن ساخت. این دانشجو بیست سال از عمر خود را در مدارج علمی گذرانده، ولی از معارف اسلامی مطالبی نیاموخته است؛ زیرا برنامه‌های درسی از دیر زمانی است که در اختیار مهاجمان جنگ صلیبی جدید است.^(۱)

استعمارگران پس از تجربه اشغال کشورها، به تهاجم فرهنگی دست زدند و یکی از راه کارهای تهاجم فرهنگی، ایجاد مؤسسات فرهنگی در کشورهای اسلامی است. این مؤسسات که به عنوان خدمت به فرهنگ در کشورهای اسلامی تأسیس می‌شود، در واقع به نفع کشورهای استعماری خود فعالیت می‌کند. عزالی در این باره می‌گوید:

عملیات مؤسسات فرهنگی جدید که برنامه‌های آن از دین و زبان ما یعنی اسلام و عربیت جداست، کمتر از عملیات مدارس استعماری نیست؛ و روش آن‌ها ثابت می‌کند که استعمار اروپایی می‌خواهد ملت‌هایی بسازد که در امور فرهنگی، اجتماعی،

۱. همان، ص ۱۰۶.

دینی و تاریخی در نهایت ضعف و بی‌اطلاعی باشند. به همین جهت، سیاست آموزش و پرورش کشورهای اسلامی را در قبضه خود یا مستشارانش گرفته و منحرف می‌سازد تا فرزندان این کشورها از جامعه و تاریخ خود بیگانه باشند.^(۱)

اندیشه‌های عقیدتی

غزالی نیز همانند متفکر مجاهد مصری، سید قطب، حاکمیت را حق خدا می‌داند؛ برخلاف تفکر دمکراسی غربی که در آن، حق حاکمیت از حقوق مردم شمرده می‌شود. وی در این باره می‌گوید: «دین اسلام هدیه‌ای است از جانب خدا برای تمام انسان‌ها و عبارت است از یک نظم جهانی که خدا تنها پادشاه آن است و تفاوتی بین عرب و غیر عرب نیست؛ قلمروی که فقط اراده الهی در آن حکومت می‌کند. حقوق تفویض شده از جانب خدا منشأ قضاوت و قانونگذاری است و تمام مؤمنین در برابر آن متساوی الحقوقند؛ قلمروی که در آن نه ظالمی وجود دارد و نه فرمانده مطلق.»^(۲)

غزالی بیش از هر چیز به تحول فرهنگی در جهان اسلام

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. رویارویی مسلکها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷ م، ص ۵۵.

معتقد بود و به رغم سابقه‌ای روشن و فعال در مبارزات سیاسی، چشم امید را بر رفع نقیصه‌های درونی در معرفت حقایق دینی دوخته بود. وی معتقد بود که بدون تدارک اندیشه و فرهنگی پویا و اسلامی نمی‌توان در برابر تهاجم سیاسی جهان ایستاد:

من بر این عقیده هستم که حتی اگر تمدن شرقی کمونیست و غرب صلیبی از هم بپاشند و یا به عبارت بهتر، انتحار کنند، باز هم گرهی از مشکلات جهان اسلام گشوده نخواهد شد؛ چرا که گرفتاری‌های ما از درون نشأت می‌گیرد و همه ناشی از عوامل خارجی نیست. البته فشار خارجی هست، اما عامل اصلی گرفتاری‌های امت اسلام را باید در بافت و ساختار داخلی آن جستجو کرد. یهود و مسیحیت پس از قرن‌ها جدال و نبرد اکنون به یکپارچگی رسیده‌اند؛ اما امت اسلام از هر سو به سمتی کشیده می‌شود و هر روز مسأله‌ای اختلاف‌انگیز ظاهر می‌گردد؛ گاه فرقه و مذهب و گاه، نژاد و قومیت تخم تفرقه و نفاق می‌باشد.^(۱)

تعامل دین و سیاست

بحث جدایی دین از سیاست یکی از موضوعات مهم سده‌های

۱. آیینة پژوهش، شماره ۳۷، ص ۱۰۲.

اخیر است که مورد توجه محافل علمی و سیاسی قرار گرفته است. برخی از روشنفکران اسلامی به تقلید از روشنفکران غربی، معتقد به جدایی دین از سیاست‌اند و برخی به تقلید از مراجع دینی، معتقد به تعامل دین و سیاست هستند. غزالی را می‌توان طرفدار تعامل دین و سیاست دانست. وی در این باره می‌گوید: «اسلام شامل مجموعه مفصلی از تعلیمات معنوی و علمی است؛ قواعدی علمی که برای اصلاحات عمومی در اختیار انسان قرار دارد و مربوط به زندگی فردی و اجتماعی و دولتی است. و چه کسی می‌تواند ادعا کند که یک دعوت اصلاح طلبانه می‌تواند از حکومت صرف نظر کند و نمی‌خواهد حکومت را در خدمت آرمان‌های خود قرار دهد؟»^(۱)

انتقاد از عالمان وابسته

وابستگی برخی از علمای اسلام با حاکمان ظلم و ستم باعث تقویت آن‌ها و سوء استفاده از دین می‌گردد. در همه دوران‌ها و همه کشورهای عده‌ای از علما با حاکمان فاسد و ظالم ارتباط دارند و در برخی از موارد آنان را تأیید می‌کنند. غزالی ضمن انتقاد از برخی علمای مصر می‌گوید: «من در میان شیوخ الازهر، مردانی را می‌شناسم که برای اسلام آن‌چنان زندگی می‌کنند که انگلها در خون و در روده‌های

۱. رویارویی مسلکها و جنبشهای سیاسی در غاورد میانه عربی تا سال ۱۹۶۷ م، ص ۵۶

انسان‌های بیمار به سر می‌برند. این علما دست در دست طبقات حاکم، آرمان مشترکی را دنبال می‌کنند و بدین سان دینی را که به نام آن سخن می‌گویند، بی اعتبار می‌سازند.»^(۱)

وهابیت

یکی از اهداف استعمارگران برای ایجاد تفرقه بین صفوف مسلمانان، تشکیل مذاهب و ادیان جدید است تا از این راه، شکاف بین صفوف مسلمانان را زیادتر کنند. جنبش تندرو وهابیت نیز در همین راستا تشکیل شد و اقداماتی علیه وحدت مسلمانان انجام داد. غزالی در باره این مذهب می‌گوید: وهابیت آیینی است که پنجاه سال پیش و یا بیشتر در عربستان سعودی ظهور کرد. در این آیین، نوعی تندروی، دوری از حقایق اسلامی، کم شمردن مردم و متهم کردن آن‌ها وجود دارد و من نمی‌توانم بگویم که آن‌ها اسلام را صحیح معرفی می‌کنند.»^(۲)

غزالی و فلسفه

یکی از موضوعاتی که در تاریخ اسلام مورد اختلاف علمای دین قرار گرفته است، فلسفه یونانی و مخلوط شدن آن با مفاهیم اسلامی است. گروهی از ایشان فلسفه یونان را پذیرفته‌اند و گروهی دیگر به شدت از آن انتقاد کرده و اختلاط آن با مفاهیم اسلامی را جایز ندانسته‌اند. غزالی

۱. اخوان المسلمین، دکتر بهمن آقایی و خسرو صفوی، ص ۱۷۷.

۲. رسالت، ۳/ ۴ / ۱۳۷۰، ص ۳.

معتقد است که دین سرمایه‌ای الهی است و توسط معصوم صادر شده است و نمی‌توان آن را با خیالات مردی گوشه نشین ممزوج کرد. وی به شدت از مخلوط شدن فلسفه با دین، انتقاد می‌کند و می‌گوید: «ای کاش پیروان مسیحیت و اسلام دین خود را از گرفتاری فلاسفه حفظ کرده بودند تا دین الهی ارزش و طراوت آسمانی خود را حفظ کرده بود و مطالب آسمانی را با عقاید پوچ، مخلوط و مشتبه نمی‌کرد.»^(۱)

وی یکی از دلایل انحطاط جامعه مسلمانان را اختلاط فلسفه و دین می‌داند و در این باره می‌نویسد: «نفوذ فرهنگ خرافی یونان و دروغ‌های مخصوص اهل کتاب به فرهنگ اسلامی، یکی دیگر از عوامل انحطاط فرهنگ اسلامی است. در نتیجه این عوامل، کتاب‌های تفسیر، تاریخ و عقاید اسلامی از مهملائی انباشته شده است که جایز نبوده آن مطالب نقل، روایت و یا تدریس شود.»^(۲)

غزالی و آزاد اندیشی

تعصب، یکی از آفات برخی از عالمان دینی است. بعضی از علماء، آن چنان روی مسلک و روش خود پافشاری می‌کنند که گویا تمام مسلک‌های دیگر باطل و بی ارزش است. در مقابل، عده‌ای از روشنفکران مسلمان به دور از تعصب و با فکری آزاد، هر جا اشکال و اشتباهی باشد، تذکر می‌دهند.

۱. اسلام و بلاهای نرین، ص ۲۳۰.

۲. حقوق بشر، مقایسه تعالیم اسلام با منشور ملل متحد، ص ۲۹۵.

غزالی از این گونه افراد است. وی سخن متعصبان را که معتقدند شیعه، امام علی علیه السلام را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای رسالت سزاوارتر می‌داند، رد کرده و می‌فرماید:

بعضی از مفتریان چنین شایع می‌کنند که شیعه پیرو علی، و اهل سنت اتباع محمد هستند و شیعه معتقدند که علی به رسالت سزاوارتر است؛ یا این که رسالت از روی خطا از سوی او گذشته و به دیگری رسیده است. شکی نیست که این سخنی یاوه و تهمت‌زشت و زنده است...

شیعه شأن و شرف علی را در نتیجه انتساب وی به پیامبر و تمسک او به سنت آن سرور می‌دانند. ایشان نیز مانند سایر مسلمین، بشری از اولین و آخرین را عظیمتر و برای پیروی شایسته‌تر از آن صادق امین نمی‌شناسند. پس چگونه رواست که چنین یاوه و تهمت متوجه ایشان گردد؟^(۱)

غزالی در مقابل کسانی که می‌گویند شیعه قرآنی به جز قرآن متداول مسلمین دارد، می‌گوید:

شیندم که در مجلسی علمی، شخصی گفت: طایفه شیعه قرآنی دیگر دارند که نسبت به قرآن متداول میان مسلمین کاستی و فزونی دارد. گفتم این قرآن که تو وصف می‌کنی کجاست؟ جهان اسلام که از

۱. محاکمه انگاس گل‌زهر صهیونیست، ص ۳۱۰

نظر جغرافیایی در سه قاره زمین گسترده است، از زمان بعثت محمد ﷺ تا امروز که مدت چهارده قرن را پشت سر نهاده جز یک قرآن مضبوط و معلوم که آغاز و انجامش معین و سوره‌ها و آیات و کلماتش محدود و معدود است، نمی‌شناسد. بنابراین قرآنی که تو ادعا می‌کنی کجاست؟^(۱)

فصل هشتم

آثار

شیخ محمد غزالی، اندیشمند مصری در طول بیش از نیم قرن حیات علمی خود توانست بیش از ده‌ها مقاله و ۵۳ کتاب در موضوعات مختلف قرآنی، اصلاح‌گری دینی، اجتماعی و سیاسی بنویسد. اکثر تألیفات وی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، اردو و غیره منتشر شده و نقش به‌سزایی در روشنفکری اسلامی داشته است؛ به طوری که در جلسهای که تحت عنوان «نشاط دعوت اسلامی در عصر حاضر» در دانشگاه هاروارد آمریکا گرفته شد، بر نقش افکار غزالی در جوامع اسلامی تأکید گردید.^(۱)

تألیفات وی عبارتند از:

۱. الاسلام والاوضاع الاقتصادية، ۲۱۴ صفحه، دارالصحوة، چاپ اول، ۱۹۸۷ م. موضوع این کتاب نظرات و عقاید اسلام درباره اقتصاد است و اولین کتابی است که توسط غزالی در سنین جوانی نگاشته شده است. این اثر توسط سید خلیل خلیلیان با عنوان «اسلام و بنیان‌های

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد غزالی، ۱۸۵.

اقتصادی» به زبان فارسی ترجمه شد و توسط شرکت سهامی انتشار به چاپ رسید.

۲. **الاسلام و المناهج الاشتراکيه**، ۲۷۰ صفحه، دارالکتب الحدیثه. غزالی در این کتاب که دومین تألیف اوست، همه مسلمانان و متفکران مسلمان را به ضرورت بازگشت به تعالیم اسلام و پایه ریزی نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر پایه اسلام دعوت می‌کند.

۳. **الاسلام المقتوی بین الشیوعیین و الرأسمالین**، ۱۷۸ صفحه، قاهره، دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۹۵۰ م. این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات غزالی است و در مجلات مختلف به چاپ رسیده، سومین تألیف غزالی است و قبل از انتشار کتاب «العدالة الاجتماعية فی الاسلام» اثر وزین شهید سید قطب منتشر شد.^(۱)

۴. **الاسلام والاستبداد السياسي**، ۲۲۷ صفحه، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۹۸۴ م. در سال ۱۳۳۰ هـ. ش. که محمد غزالی برای همکاری با اخوان المسلمین دستگیر و زندانی شد، سلسله درسهایی برای زندانیان برگزار کرد و پس از خروج از زندان، مجموعه‌ای از دروس را به صورت کتاب درآورد. کتاب **الاسلام والاستبداد السياسي** از این گونه کتاب هاست. غزالی در این کتاب تأکید می‌کند که اسلام حکم فرد یا حکم دیکتاتوری را نمی‌پذیرد؛ بلکه رجوع به شوری و آرای

۱. الشیخ الغزالی کما عرفته، ص ۱۵.

مردم، مورد تأیید اسلام است.^(۱)

۵. من هنا نعلم، ۲۴۲ صفحه، دارالکتب الحدیثه، چاپ ششم، ۱۹۶۵. غزالی، سلسله مقالاتی که در جواب شبهات «خالد محمد خالد» نگاشت، در کتابی به نام «من هنا نعلم» گردآوری و منتشر کرد. این کتاب هم جواب نظریات روشنفکری لیبرالی و هم دفاع از تعالیم اسلام بایبانی قوی و محکم می‌باشد. مهمترین عناوین این کتاب عبارتند از: شبهات شیخ «محمد خالد» درباره قصاص و حدود، ضرورت اقامه حدود اسلامی، بدعت جدایی دین از سیاست، قومیت عربی و اسلام.

۶. تأملات فی الدین و الحیاة، ۲۵۷ صفحه، دارالدعوة، چاپ دوم، ۱۹۹۲ م. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات، خاطره‌ها و بحث‌های مؤلف است. اکثر این مقالات در مجله «اخوان المسلمین» به چاپ رسیده و مردم را به حرکت و حیات اسلامی تشویق می‌کند.

۷. عقیده المسلم، ۲۶۲ صفحه، دارالدعوة، چاپ دوم، ۱۹۹۰ م. موضوع این اثر فلسفی و کلامی است؛ ولی با کتب دیگری که در این زمینه نوشته شده متفاوت است. غزالی در این کتاب بیشتر به قرآن و سنت استناد می‌کند و علم کلام را از منظر قرآن و سنت می‌نگرد؛ بر خلاف اکثر کتب کلامی که

۱. این سخن بر مبنای تفکر برادران اهل سنت است که خلافت و سرپرستی امت را توسط مردم قابل تفیذ می‌دانند؛ برخلاف شیعه که امامت و سرپرستی را انتصابی و نه انتخابی می‌داند.

از منظر عقل، فکر و عاطفه به علم کلام می‌نگرند. این کتاب از مهمترین تألیفات غزالی است و درباره اصلاح‌گری دینی نوشته شده است.

۸. **خُلِقَ الْمُسْلِمُ**، چاپ هفتم، ۱۳۸۴ هـ. ق.، دارالکتب الحدیثه، قاهره، ۲۸۵ صفحه. مؤلف در مقدمه این کتاب می‌نویسد: در حقیقت این نوشتار حلقه دوم کتاب «عقیده المسلم» می‌باشد. این کتاب دارای یک مقدمه و ۲۶ فصل است. مؤلف ابتدا مبادی اخلاق را از منظر دین مبین اسلام مورد بررسی قرار داده و سپس موضوعاتی از قبیل صدق، امانت، حلم، و حیا را از منظر قرآن و سنت مورد بحث قرار می‌دهد.

۹. **التعصب و التسامح بین المسيحية و الاسلام**، ۳۶۶ صفحه، دار التوزیع و النشر الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۹۹۳ م. یکی از مسؤولان مصری مسیحی، کتابی منتشر کرد و در آن به اسلام و مسلمانان طعنه زد. حسن الهضیبی عالم بزرگ الازهر، غزالی را مأمور کرد که در رد آن کتابی بنویسد. وی این کتاب را نگاشت و در آن، ضمن جواب به تفکرات انحرافی او، به دفاع از اسلام پرداخت و روابط مسلمان و غیر مسلمان را از منظر دینی مورد بررسی قرار داد.

۱۰. **فقه السیرة**، ۴۹۸ صفحه، قاهره، دارالریان للتراث، چاپ اول، ۱۹۸۷ م. موضوع: سیره رسول اکرم.

۱۱. **موكب الدعوة**، ۲۶۲ صفحه، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۹۵۷ م. غزالی در این کتاب از تنزل عده‌ای در راه

جهاد و حرکت اسلامی ابراز نگرانی می‌کند و معتقد است که ضعف جبهه داخلی مسلمانان موجب نفوذ منافقین و سوء استفاده آنان می‌شود.

۱۲. *ظلام من الغرب*، ۳۴۳ صفحه، دارالکتب الحدیثه، چاپ دوم، ۱۹۶۵ م. غزالی در این کتاب در باره روشنفکران غربزده و اهداف آنها در کشورهای اسلامی سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که این عناصر باید از حیات سیاسی - اجتماعی مصر برکنار شوند. غزالی فساد عقل و فساد دل را دو عامل مهم بروز غربزدگی در میان روشنفکران می‌داند.

۱۳. *جند حیاتک*، ۳۳۲ صفحه، دار الدعوة چاپ اول، ۱۹۸۹ م. یک مستشرق اروپایی کتابی درباره اصول اسلام نوشته است و در آن، وحی نبوی را تجربه می‌داند و معتقد است که وحی قابل تجربه است. طبق این نظر، قرآن و کتب آسمانی دیگر از طرف خداوند نازل نشده، بلکه ساخته و پرداخته بشر است. غزالی این کتاب را در رد آن نظریه نوشته است.

۱۴. *لیس من الاسلام*، ۲۶۲ صفحه، قاهره، مکتبه وهبه، چاپ ششم، ۱۹۹۱ م. دین مبین اسلام در بدو تولد، عاری از هر گونه خرافه بود. به تدریج برخی از افراد مغرض یا ناآگاه، مفاهیم و تعالیمی خرافاتی به نام اسلام در آن وارد کردند. غزالی در این کتاب به این موضوع می‌پردازد و مصادیقی از خرافه را نام می‌برد. انتشار این کتاب باعث خشم متحجرین مصر گردید.

۱۵. من معالم الحق فی کفاحنا الاسلامی الحدیث، ۲۰۰ صفحه، دارالاعتصام. یکی از مباحث مهم قرن اخیر بین کشورهای اسلامی، تهاجم فرهنگی است. اروپائیان پس از شکست در جبهه جنگ نظامی، شیوه جنگ فرهنگی را انتخاب کرده و با این ابزار به جنگ مسلمانان آمده‌اند. غزالی در این کتاب، درباره توطئه دشمن و علل پیروزی آنها می‌نویسد. به اعتقاد وی، رذائل اخلاقی در مسلمانان رسوخ کرده و راهی جز دفاع نمانده است.

۱۶. کیف نفهم الاسلام

۱۷. الاستعمار احقاد و اطماع، ۲۶۷ صفحه، مطبعة حسان، چاپ دوم، ۱۹۸۳ م. مؤلف در این کتاب با استناد به وقایع گذشته و منابع موثق، ثابت می‌کند که استعمارگر نسبت به اسلام کینه دیرینه دارد و به دیار مسلمانان چشم طمع دوخته است.

این کتاب توسط مرحوم مصطفی زمانی، با عنوان «طمعکاران کینه ور یا نقشه‌های استعماری» به فارسی ترجمه شده و توسط مؤسسه مطبوعاتی خزر در تهران به چاپ رسیده است.

۱۸. نظرات فی القرآن، ۲۵۴ صفحه، قاهره، دارالکتب الاسلامیه، ۱۹۸۶ م. غزالی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «این هجدهمین کتابی است که برای خدمت به اسلام و ابلاغ رسالت

پیامبر می‌نگارم.»^(۱) موضوع این کتاب بررسی بعضی از مفاهیم اسلامی از قبیل ثروت، قصه‌ها، اعجاز، نبوت، و فساد امت‌ها از منظر قرآن است.

۱۹. مع الله، دراسات فی الدعوة و الدعاة، دمشق، دارالقلم، چاپ اول، ۱۹۸۹ م. همان‌طور که از عنوان کتاب معلوم است، غزالی این کتاب را درباره راهکارهای تبلیغ و شرایط مبلغ نگاشته است. غزالی هنگامی دست به نگارش این کتاب زد که از طرف شیخ‌الازهر برای تبلیغ اعزام می‌شد.

۲۰. معركة المصحف فی العالم الاسلامی، ۳۵۷ صفحه، دارالکتب الحدیثة. غزالی در این کتاب درباره مبارزه با استعمار و ایجاد امید به آینده اسلام در میان توده‌های مردم و تأسیس نظام اجتماعی - سیاسی بر اساس اصول اسلامی، بحث می‌کند. این کتاب با عنوان «نقش قرآن در جهان معاصر» توسط محمدصدیق خالقی پناه به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات هه ژار در سال ۱۳۸۰ ه. ش. در شهرستان سنندج به چاپ رسیده است.

۲۱. کفاح الدین، ۳۱۲ صفحه، مکتبه وهبه، چاپ پنجم، ۱۹۹۱ م. غزالی در این کتاب درباره توطئه استعمار در برپایی حکومت‌های وابسته به استعمار و عواقب آن در کشورهای اسلامی، و آزار و اذیت غیر مسلمانان علیه مسلمانان بحث می‌کند. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «امت

۱. نظرات فی القرآن، ص ۳.

اسلامی به مرحله‌ای از شعور خواهد رسید که خود را از استعمار برهاند.»

۲۲. الاسلام و الطاقات المعطلة، ۲۱۴ صفحه، قاهره، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۹۸۳ م. مؤلف در این کتاب از آینده اسلام سخن می‌گوید. به عقیده وی امت اسلامی در تمام نقاط زمین منتشر خواهند شد و جهان در آینده در قبضه قدرت مسلمانان خواهد بود. در آن زمان مسلمانان به هیچ کس محتاج نخواهند بود بلکه بقیه به آنها نیاز خواهند داشت. وی سپس چگونگی رسیدن به سر منزل مطلوب را بیان می‌کند.

۲۳. حقوق الانسان بين تعاليم الاسلام و اعلان الامم المتحدة، ۲۶۶ صفحه، دارالدعوة، ۱۹۹۳ م. غزالی در این کتاب ضمن نقل و نقد منشور سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر، نظر اسلام را در این باره بازگو می‌کند. این اثر توسط باقر موسوی با عنوان «حقوق بشر، مقایسه تعالیم اسلام با منشور ملل متحد» به زبان فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات اعلمی به چاپ رسیده است.

۲۴. هذا ديننا، ۲۱۳ صفحه، مطبعة حسان، چاپ سوم، ۱۹۷۵ م. این کتاب درباره مهم‌ترین مباحث اسلامی یعنی توحید، قضا و قدر، عقل، اجتهاد، فقه معاملات و فقه عبادات به صورت مختصر و واضح، همراه با دلیل و استدلال نوشته شده است.

۲۵. الجانب العاطفی من الاسلام، ۲۹۹ صفحه، دارالدعوة، چاپ اول، ۱۹۹۰ م. موضوع این کتاب اخلاق اسلامی، سلوک و تصوف است و مهمترین بخشهای آن اشارات الطریق، دعائم الكمال النفسی، التوبة، الورع، و الحب می باشد.

۲۶. دفاع عن العقيدة و الشريعة ضد مطاعن المستشرقین، ۲۵۹ صفحه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۹۸۸ م. اگناس گلدزیهر، مستشرق یهودی^(۱) دو کتاب درباره اسلام به نامهای «مذاهب مفسرین در تفسیر قرآن» و «عقیده و شریعت در اسلام» نگاشته و در آنها با روشی رندانه، افکار زهر آگین خود را به خوانندگان القا کرده است. غزالی این کتاب را در پاسخ به شبهات مطروحه در کتاب اگناس نوشته است. این کتاب توسط صدر بلاغی با عنوان «محاكمة گلدزیهر صهیونیست، به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات حسینیة ارشاد به چاپ رسیده است.

۲۷. ركائز الايمان بين العقل و القلب، ۲۸۸ صفحه، دارالاعتصام، ۱۹۷۳ م. موضوع این کتاب فرهنگ اسلامی است و در حقیقت تکمیل کتاب «الجانب العاطفی فی الاسلام» می باشد. مهمترین بخشهای کتاب: وحدة الوجود

۱. اگناس گلدزیهر در سال ۱۸۵۰ م. در مجارستان به دنیا آمد. در ۱۸۷۳ م. به سروریه رفت و نزد علمای چون: علامه شیخ طاهر جزائری، به کسب علوم اسلامی و دینی پرداخت. سپس به مصر رفت و از محضر شیخ و اساتید بزرگ الازهر استفاده کرد. (محاكمة گلدزیهر صهیونیست، ص ۵)

خرافة، ثقافتنا التقليدية تحتاج الى مراجعة، والعلم ظهير
الایمان است.

۲۸. حصاد الغرور، ۲۰۷ صفحه، المختار الاسلامی، چاپ
دوم، ۱۹۷۹ م. در سال ۱۳۴۶ ه. ش. (۱) بین اعراب و اسرائیل
جنگی سخت در گرفت و پس از شش روز اسرائیل به پیروزی
رسید و صحرای سینا را به اشغال خود در آورد. غزالی که در
زمان این جنگ می زیسته است، وضعیت امت عرب قبل و
بعد از جنگ را در این کتاب تحلیل می کند. وی در مقدمه
کتاب می گوید: اگر ما بر خودمان واجب کردیم که باید
شیرینی پیروزی را بچشیم، راه روشن و واضح است؛ ولی اگر
همان حرف های گذشته را تکرار کنیم، چیزی جز ضرر
عایدمان نمی شود.

۲۹. الاسلام فی وجه الزحف الاحمر، ۲۰۶ صفحه، مکتبه
الامل. با ظهور انقلاب کمونیستی در شوروی، برخی از سران
دولتهای عربی به آن مکتب متمایل شدند. غزالی در این
کتاب به نفوذ و گسترش کمونیسم در میان کشورهای
اسلامی می پردازد و در مقدمه آن می نویسد: «من این برگه ها
را با حقایق علمی و تاریخی می نویسم. اوراق این کتاب
فریادهای شخصی است که نسبت به دینش غیور و نسبت به
امت اسلام دلسوز است. من می دانم که با نوشتن این کتاب،
خودم را در معرض دشمنی های کشنده قرار می دهم؛ لکن من

حیاتی را نمی‌خواهم که من باشم و اسلام نباشد.»

۳۰. **قذائف الحق**، ۲۴۲ صفحه، صیدا، لبنان، المكتبة العصرية. غزالی این کتاب را در جریان جنگ بین اعراب و اسرائیل که در سال ۱۹۶۷ م. اتفاق افتاد، در ریاط پایتخت کشور مغرب، نگاشته است. وی در این کتاب درباره ابعاد جدید دسیسه‌های شیطنی استعمار علیه امت اسلامی، غفلت امت اسلام، و لزوم دفاع در برابر این دسیسه‌ها بحث می‌کند.

۳۱. **الدعوة الاسلامية تستقبل قرنها الخامس عشر**، ۲۱۰

صفحه، مكتبة وهبة، چاپ سوم، ۱۹۹۰ م. دانشگاه محمد بن سعود در ریاض، از غزالی خواست به مناسبت سپری شدن قرن چهاردهم هجری قمری، کتابی بنگارد؛ غزالی این کتاب را نگاشت. وی در این کتاب سیر تحول دعوت اسلامی در قرن چهاردهم را بررسی می‌کند و معتقد است که دعوت اسلامی در قرن پانزدهم با شدت بیشتر ادامه خواهد داشت.

۳۲. **فن الذكر و الدعاء عند خاتم الانبياء**، ۱۷۹ صفحه،

بیروت، المكتبة العصرية، چاپ دوم، ۱۹۸۰ م. موضوع این کتاب بررسی دعا و ذکر از منظر پیامبر اکرم ﷺ است و مهمترین بخشهای آن کیف عرفنا محمد باللّه، الحب اساسه و الشوق مركبه، و مجالس النبوة می‌باشد.

۳۳. **دستور الوحدة الثقافية بين المسلمين**، ۲۳۹ صفحه،

دارالقلم، چاپ اول، ۱۹۸۷ م.

۳۴. **واقع العالم الاسلامی فی مطالع القرن الخامس عشر**،

۸۰ صفحه، قاهره، دار ثابت، ۱۹۸۳ م. غزالی در این کتاب درباره توطئه‌های استعمارگران و تلاش آنها برای از بین بردن میراث کهن مسلمانان، و تلاش آنها برای متلاشی کردن دین اسلام در جهان، و عمل نکردن مسلمانان به تعالیم اسلامی، و به هدر رفتن سرمایه آنان بحث می‌کند.

۳۵. مشکلات فی طریق الحیاة الاسلامیة، ۱۴۳ صفحه، مصر، دار نهضة مصر للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۹۹۶.

موضوع این کتاب بررسی علل عقب ماندگی مسلمانان در زمینه‌های نظامی و اجتماعی است. این کتاب شامل سلسله مقالاتی است که در مجله «الاتة» در کشور قطر به چاپ می‌رسید.^(۱)

۳۶. هموم داعیة، ۱۷۳ صفحه، قاهره، دارالبشیرة، چاپ دوم، ۱۹۸۵ م. موضوع این کتاب تبلیغ مشکلات مبلغین در تبلیغ فرهنگ اسلامی، و راهکارهای مقابله با آن است.

۳۷. مائة سؤال عن الاسلام، دو جلد، دار ثابت للنشر و التوزیع، ۱۹۸۴ م. در این کتاب، صد سؤال درباره مهم‌ترین موضوعاتی که مورد ابتلاء مسلمانان است؛ مانند جلوگیری از ازدیاد نسل، و حکم نقاب در اسلام، از علمای اسلامی پرسیده شده و به آنها پاسخ داده شده است.

۳۸. علل و ادویة، ۲۸۳ صفحه، قاهره، دار الدعوة، چاپ اول، ۱۹۹۱ م. موضوع این کتاب بیماریهای جامعه مسلمان

۱. الشیخ الغزالی كما عرفته، ص ۲۲.

و داروی آنهاست. و مهمترین بخشهای آن انسان فی القرآن، کیف غیر الاسلام مسار العالم، والامانة فی نقل التراث وظيفتنا العالمية می باشد.

۳۹. مستقبل الاسلام خارج أرضه. کیف نفکر فيه؟ ۲۰۲

صفحه، دارالشروق، چاپ اول، ۱۹۸۴ م. موضوع این کتاب پاسخ به مسائل مهم روز است و مهمترین بخشهای آن عبارت است از: تصفیه منابع قبل از نشر عمومی، شخصیت مسلمان معاصر، و آیا تبلیغ مفید است؟

۴۰. قصة حياة، خطی. این کتاب درباره زندگی غزالی

است و به خط خودش نوشته شده. مهمترین بخشهای آن عبارتند از: ذکریات الطفولة، تعلیمه الدینی و المدني، من السجن الى المعتقل، و جماعة الاخوان المسلمين.

۴۱. سر تأخر العرب و المسلمين، ۱۸۷ صفحه، قاهره، دار

الزبان للتراث، ۱۹۸۲ م. همان طور که از عنوان آن پیداست، غزالی در این کتاب درباره علل عقب ماندگی اعراب و مسلمانان بحث می کند. مهمترین بخشهای این کتاب عبارت اند از: احوال اليوم و آمال الغدة، و الوحدة الاسلامية طریق طویل لکنه ضرورة الحياة.

۴۲. الطريق هنا، ۱۶۰ صفحه، دار الشروق، چاپ دوم،

۱۹۹۲ م. موضوع این کتاب تفاوت های بین واقعیت اجتماعی مسلمانان و قوانین دین اسلام و ضرورت بازنگری در احوال مسلمانان است و مهمترین بخشهای آن عبارتند از: دعوات تائهة فی أمة مهددة بالضياع، والحکم الاسلامی لا ينطلق من فراغ.

۴۳. جهاد الدعوة بين عجز الداخل و كيد الخارج، ۱۹۲ صفحه، دار الصحوة. موضوع این کتاب جهاد اسلامی است. غزالی در مقدمه کتاب می نویسد: «جهاد اسلامی دفاع از زمین و ناموس و دین است و باید پیروزی برای خدا و رسول خدا در همه میدان‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی برای خدا و رسول خدا باشد.»

۴۴. الحق المر، پنج جلد. این اثر مجموعه‌ای از مقالات است و با موضوعات گوناگون در مطبوعات به چاپ رسیده است.

۴۵. الغزو الثقافي يمتد في فراضنا، ۴۲۴ صفحه دارالشروق، چاپ دوم، ۱۹۸۵ م. غزالی در این کتاب راجع به ضرورت فهم مسائل اسلامی بحث می‌کند و معتقد است که تصور در فهم اسلامی، راه را برای تهاجم فرهنگی باز می‌کند.

۴۶. المحاور الخمسة للقرآن الكريم، ۲۴۴ صفحه، دارالصحوة، ۱۹۸۹ م. این کتاب درباره پنج موضوع مهم از منظر قرآن کریم بحث می‌کند: الله واحد، الكون الدال على خالقه، القصص القرآنی، میدان التربیة، و میدان التشريع.

۴۷. السنة النبوية بين أهل الفقه و أهل الحديث، ۱۶۰ صفحه، دارالشروق، ۱۹۸۹ م. غزالی این کتاب را درباره فهم سنت نبوی و به درخواست «معهد العالمی للفکر الاسلامی» نوشت.

۴۸. قضايا المرأة بين التقاليد الراكدة و الوافدة، ۲۱۸ صفحه، دارالشروق، چاپ پنجم، ۱۹۹۴ م. این کتاب حاوی

خاطرات تاریخی، مطالب گوناگون ادبی، نقد، انسان، خانواده، و اجتماع است.

۴۹. تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل، ۲۲۴ صفحه،

المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۹۹۱ م. این کتاب در باره ضرورت بازنگری و اصلاح علوم نقلی اسلامی است و راههای تدریس آن را نشان می دهد.

۵۰. کیف نتعامل مع القرآن الکریم، ۲۳۶ صفحه، المعهد

العالمی للفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۹۹۲ م. موضوع این کتاب تقریر دروس استاد عمر عبید حسنه استاد تفسیر محمد غزالی است.

۵۱. صیحة تحذیر من دعاة التنصیر، ۱۵۵ صفحه،

دارالصحوة، چاپ اول، ۱۹۹۱ م.

محمد غزالی ضمن مطالعه کتابی که درباره مؤسسات تبشیری مسیحی نوشته شده بود، به این نکته رسید که مؤسسات تبشیری آمریکا برای مسیحی کردن مسلمانان توانستند در مراسم خود هزار میلیون دلار جمع آوری کنند. غزالی درباره این موضوع اندیشید و تصمیم گرفت کتابی در این زمینه بنویسد. او این کتاب را نگاشت و در آن، ضمن بیان جنگهای خونینی که بین مسیحیان و مسلمانان به وقوع پیوسته است، مسلمانان را به دفاع در برابر توطئه های استعمارگران فراخواند.

۵۲. نحو تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم، ۵۶۰

صفحه، دار الشروق، چاپ اول، ۱۹۹۵ م. این کتاب درباره

تفسیر موضوعی آیات قرآنی است. مؤلف کوشیده است در خلال تفسیر سوره‌های قرآنی، وحدت موضوعی آن‌ها را نشان دهد. این اثر با عنوان «گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم» توسط علی‌اصغر محمدی به فارسی ترجمه شده و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است.

۵۳. من كنوز السنة، خطی. (۱)

۵۴. حقیقة القومية العربية، فاهره، دارالعروبة.

۵۵. صبح التحذیر من دعاة التنصیر. (۲)

۱. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، تلخیص و ترجمه از (ص ۲۲۹ - ص ۲۶۰).
 ۲. رسالت، ۳ / ۴ / ۱۳۷۰، ص ۱۲.

وفات

سرانجام، شیخ محمد غزالی پس از هفتاد و نه سال عمر پربرکت که بیشتر آن را در راه اعتلای اسلام، وحدت مسلمانان و مبارزه با استعمار گذرانند، در حالی که برای حضور و انجام سخنرانی در همایش اسلام و غرب به ریاض سفر کرده بود، در تاریخ ۱۹ شوال ۱۴۱۶ ه. ق. برابر با ۱۳۷۴/۱۲/۱۹ ه. ش. دچار سکتة قلبی شد و درگذشت. پیکر این عالم و مجاهد بزرگ پس از تشییع، در قبرستان بقیع جایگاه دفن سبط رسول خدا ﷺ، ریحانة پیامبر اکرم ﷺ، همسران پیامبر و اصحاب گرامی آن حضرت به خاک سپرده شد.

به مناسبت بزرگداشت وی، بسیاری از شخصیت‌ها و مراکز فرهنگی دنیای اسلام، پیام‌های تسلیتی ارسال کردند. رئیس وقت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز پیام تسلیتی فرستاد که در ذیل متن کامل آن را می‌آوریم:

انا لله وانا اليه راجعون

درگذشت علامه بزرگوار، محمد غزالی، (رحمة الله تعالى

علیه) که از علمای بزرگ مصر و از اندیشمندان معاصر بود، موجبات تأثر و تألم جهان اسلام را فراهم آورد. این عالم جلیل القدر که عمری را در تلاش مداوم فکری و فرهنگی سپری کرد، دفاع از دین و اعتقادات اسلامی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود. مرحوم غزالی از پیشتازان و منادیان وحدت اسلامی بود و در این راه تلاش و اهتمام فراوان ورزید. قلم و آثار فکری این مرد بزرگ سهم قابل توجهی در تقریب آرا و افکار متفکران و اندیشمندان اسلامی از خود بر جای گذاشت.

خدواند متعال این شخصیت بزرگوار را که به حق از علمای برجسته جهان اسلام بود، غریق رحمت و اسعه خود بفرماید. بدین وسیله این مصیبت بزرگ را به ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه‌ای و سایر علمای امت اسلامی و مسلمانان به ویژه خانواده محترم آن فقید سعید تسلیت می‌گوییم.^(۱)

محمد علی تسخیری

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

منابع

۱. اخوان المسلمین، دکتر بہمن آقایی، خسرو صفوی، انتشارات رسام، تہران ۱۳۶۵۔
۲. اسلام و بلاہای نوین، محمد غزالی، مترجم مصطفیٰ زمانی، انتشارات پیام اسلام، قم ۱۳۶۹۔
۳. الازھر فی ألف عام، دکتر محمد عبدالمنعم خفاجی، مکتبۃ الکلیات الحدیث، بیروت ۱۴۰۸ھ۔ق۔
۴. الاستعمار آحقاد و أطماع، محمد غزالی، دارالسعودیۃ للنشر، جدہ، چاپ دوم، ۱۳۸۹ھ۔ق۔
۵. الشیخ الغزالی کما عرفہ، دکتر یوسف قرضاوی، مؤسسۃ الرسالۃ، بیروت، ۱۴۲۱ھ۔ق۔
۶. العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، فتحی حسن ملکاوی، عمان، اردن، منشورات المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ھ۔ق۔
۷. المنجد فی اللغۃ و الاعلام، لوئیس معلوف، [بی تا]، لبنان ۱۹۸۴م، ج ۲۶۔
۸. تأملات فی الدین و الحیاة، دارالکتاب العربی، قاہرہ، چاپ دوم، ۱۳۷۴ھ۔ق۔
۹. حقوق بشر، مقایسۃ تعالیم اسلام با منشور ملل متحد، محمد غزالی، مترجم باقر موسوی، تہران، انتشارات اعلمی، [بی تا]۔

۱۰. حکومت در اسلام، مجموعه مقالات سرمین و چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۱۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۲. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ق.
۱۳. روزنامه اطلاعات، سید محمود دعایی، ۱۳۷۴.
۱۴. روزنامه جمهوری اسلامی، مسیح مهاجری، ۱۳۶۹.
۱۵. روزنامه رسالت، سید مرتضی نبوی، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲.
۱۶. رویارویی مسلکها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷ م. علی سمان، ترجمه ن. حمید، انتشارات قلم، تهران ۱۳۵۷.
۱۷. طمعکاران کینه‌ور یا نقشه‌های استعماری، محمد غزالی، ترجمه مصطفی زمانی، انتشارات خزر، تهران ۱۳۴۶.
۱۸. غنا، مباحث کشورهای سازمانهای بین‌المللی، گردآوری و تنظیم رامین زارع، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران ۱۳۸۷.
۱۹. فرهنگ جامع سیاسی، محمود طلوعی، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۰. فصلنامه میقات حج، سید علی قاضی عسکر، انتشارات مرکز تحقیقات حج، شماره ۲۳، بهار ۱۳۷۷.

۲۱. گامی به سوی تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم، محمد غزالی، ترجمه علی اصغر محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ق.
۲۲. ماهنامه آیین پژوهش، شماره ۳۷.
۲۳. ماهنامه پاسدار اسلام، ۱۳۶۰ ه. ش.
۲۴. ماهنامه مکتب اسلام، ناصر مکارم شیرازی، قم.
۲۵. ماهنامه نامه فرهنگ.
۲۶. محاکمه اگناس گللدزیهر صهیونیست، محمد غزالی، ترجمه صدر بلاغی، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۶۳ ه. ق.
۲۷. نظرات فی القرآن، محمد غزالی، مؤسسه الخانجی، مصر ۱۳۷۷ ه. ق.
۲۸. یوسف القرضاوی، عصام تلیمة، دمشق، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه. ق.

